

امکان سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر نایب رئیس دیوان: نقد عملکرد قاضی سبوتینده در آرا و نظریات مشورتی اخیر دیوان در قضیه فلسطین

مهدی منصوری*

DOI: 10.22034/iruns.2026.566977.1211

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

چکیده

کارکرد دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد، از طریق قضات دیوان بین‌المللی دادگستری که از برجسته‌ترین پژوهشگران حقوق بین‌الملل و همچنین از دیپلمات‌های دیگر کشورها هستند، و از طریق فرایند سیاسی و دیپلماتیک انتخاب می‌شوند، صورت می‌گیرد. قضات دیوان از فرهنگ‌های مختلفی می‌آیند و این پیشینه بر قضاوت آنان تأثیر می‌گذارد، به ویژه آن که مواردی چون استعمارزدایی که قضات جهان جنوب نقش مهمی در آن ایفا کردند. این پیشینه خاص در ارتباط با قاضی فعلی اوگاندایی دیوان، قاضی سبوتینده به شکل برجسته‌ای مطرح شد. وی که گفته می‌شود تحت تعلیمات کشیش یهودی-مسیحی در کلیسای اوگاندایی بوده، به شکلی پیش رفته که جنجال زیادی را در اعمال کارکرد قضایی وی ایجاد کرد.

* پژوهشگر دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. mehdi_mansouri@atu.ac.ir

اولین قاضی زن آفریقایی دیوان، این انتظار را ایجاد می‌کرد که نقض حقوق زنان و کودکان در کشورهای جهان جنوب و انسانی شدن حقوق بین‌الملل را بیشتر مطمح نظر قرار دهد. اما نه تنها چنین موضوعی محقق نشد، بلکه نظراتی که قضات مرد سفیدپوست غربی از جمله قاضی اختصاصی اسرائیل در پرونده آفریقای جنوبی را به همراه نداشت، بلکه اظهارات صریحی از سوی وی مطرح شد که نقض صریح اساسنامه دیوان راجع به بی‌طرفی قضایی و وجدان است و دخالت نهادهای دیگر از جمله کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان را به همراه داشت. این امر موضوع جدیدی را مطرح کرد که چگونه می‌توان به‌موجب اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری با چنین امر بدیعی مقابله کرد. به ویژه آن که با اتهاماتی چون سرقت علمی همراه باشد. چنین موضوعی نقد ادعاهای نگرش فمینیستی به حقوق بین‌الملل که عملکرد قاضی سبوتینده خلاف تمام ادعاهای همیشگی آنان را به همراه داشت و دخالت کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان در عملکرد دیوان را به همراه خواهد داشت که بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، بی‌طرفی قضایی، وجدان انسانی، فمینیسم، کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان، سرقت ادبی، قاضی دیوان، سبوتینده.

مقدمه

جولیا سبوتینده در ۲۸ فوریه سال ۱۹۵۴ در انتیبی، اوگاندا متولد شد. لیسانس حقوق را در دانشگاه ماکرره^۱ اوگاندا گرفت و سپس مدرک کارشناسی ارشد حقوق را با درجه ممتاز و دکتری افتخاری را از دانشگاه ادینبورگ انگلستان اخذ کرد. پیش از ورود به دیوان بین‌المللی دادگستری، بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، او قاضی در دادگاه ویژه سیرالئون^۲ بوده است.^۳ وی متعاقباً در دادگاهی که مسئول رسیدگی به پرونده رئیس‌جمهور سابق لیبریا، چارلز تیلور، بود، منصوب گردید. در آن سمت بود که او به دلیل «نه» گفتن‌هایش، زمانی که از حضور در جلسه انضباطی علیه وکیل مدافع تیلور خودداری کرد، در سطح بین‌المللی شناخته شد. سبوتینده در سال ۱۹۹۶ به عنوان قاضی دادگاه عالی اوگاندا منصوب شد و ریاست سه کمیسیون قضایی تحقیق را بر

¹ Makerere

² Special Court for Sierra Leone

³ ICJ, Judge Julia SEBUTINDE, Available at:

https://api.icj-cij.org/sites/default/files/2024-02/20240206_sebutinde_en_0.pdf

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

عهده داشت و به قاضی «خشن» دیوان عالی معروف بود.^۴ کمیسیون تحقیق در مورد فساد در نیروی پلیس (۱۹۹۹) یکی از این پرونده‌ها بود. پرسش‌های خشن او از افسران ارشد پلیس، او را در نزد افکار عمومی محبوب کرد. با این حال، انتقادهایی وجود دارد که برخورد خشن او، شواهد قاطع و مجرمیت‌آوری علیه برخی از افسران متهم به رفتار مجرمانه یا فساد به دست نیاورد. با این وجود، اصلاحات جاری در نیروی پلیس اوگاندا، هرچند تدریجی، از توصیه‌های او نشأت می‌گیرند. کمیسیون تحقیق در مورد اداره درآمد اوگاندا (۲۰۰۲) دیگر پرونده جنجالی وی بود. وی در این تحقیق نیز «الگوی مشابه از برخورد خشن» را دنبال کرد. به جای بازجویی روشمند، سبوتینده عمدتاً افراد را با اتهامات عجیب و غریب مورد تهاجم قرار می‌داد، که در نهایت منجر شد گزارش نهایی او توسط دادگاه عالی باطل شود. آخرین پرونده مناقشه برانگیز وی تحقیق پر سر و صدا در مورد فساد در ارتش (شامل خرید هلیکوپترهای تهاجمی از کار افتاده از روسیه) بود. در اکتبر ۲۰۰۳، شش فرد مسلح به اقامتگاه او حمله کردند که توسط محافظان نظامی‌اش دفع شد؛ مهاجمان هرگز پیدا نشدند و تحقیقات مسکوت ماند. قاضی سبوتینده در حال حاضر رئیس دانشگاه سلطنتی موتسا اول است. نخست‌وزیر پادشاهی بوگاندا، چارلز پیتر ماییکا، او را «نمادی از رهایی زنان» می‌داند که قویاً ریشه در فرهنگ بوگاندا دارد. او تأکید کرد که سبوتینده نه تنها برای پادشاهی بوگاندا، بلکه «برای اوگاندا و آفریقا در کل مایه افتخار است. پیش از این، قاضی سبوتینده از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ سمت ریاست دانشگاه بین‌المللی علوم بهداشتی را در کامپالا بر عهده داشت.^۵

در انتخابات قضات دیوان در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱ توسط مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل با اکثریت مطلق در هر دو نهاد، وی به عنوان یکی از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری برای

⁴ Sesay, Alpha, New Surprises Bedevil the Charles Taylor Trial, (March 02, 2011), Available at:

<https://www.justiceinitiative.org/voices/new-surprises-bedevil-charles-taylor-trial>

⁵ Grace, Matsiko, Who is Julia Sebutinde, the ICJ judge who says “no”?, 23 July 2024, Available at:

https://www.justiceinfo.net/en/134523-who-is-julia-sebutinde-icj-judge-who-says-no.html?utm_source=chatgpt.com

این سمت انتخاب گردید؛ دوره اولیه او از ۶ فوریه ۲۰۱۲ آغاز شد. در فوریه ۲۰۲۱، برای دوره دوم و آخر در دیوان بین‌المللی دادگستری انتخاب شد که در صورت کامل طی شدن دوره پایانی نه ساله وی تا ۵ فوریه ۲۰۳۰ ادامه خواهد داشت. در ۶ فوریه ۲۰۲۴، سبوتینده به‌عنوان نایب رئیس^۶ دیوان بین‌المللی دادگستری، برای یک دوره سه‌ساله انتخاب شد.^۷ سپس، متعاقب استعفای رئیس دیوان (نواف سلام) جهت تصدی پست نخست وزیر لبنان، در ۱۴ ژانویه ۲۰۲۵، او به‌طور موقت به‌عنوان رئیس موقت^۸ تا انتخاب رئیس جدید در مارس همان سال دیوان قرار گرفت. ریاست جدید دیوان با انتخاب «یوجی ایواساوا»^۹ از ۳ مارس ۲۰۲۵ آغاز شد. او اولین زن از قاره آفریقا است که به‌عنوان قاضی دائم در دیوان بین‌المللی دادگستری خدمت می‌کند.^{۱۰}

حضور او به‌عنوان اولین زن آفریقایی در دیوان، نمادین و تأثیرگذار است و انتظار می‌رفت که تحلیل او به نشان دادن تغییرات ژئوقضایی در ساختار حقوق بین‌الملل کمک می‌کند و نماد تنوع در دیوان بین‌المللی دادگستری باشد، در حالی که در عمل این‌گونه نبود. با انتخاب وی به‌عنوان نایب رئیسی دیوان در ۲۰۲۴، نقش وی در رهبری دیوان بیشتر تقویت شد و توجه زیادی به مواضع حقوقی او جلب شد، به‌ویژه در دورانی که دیوان در قبال دعاوی حساس بین‌المللی درباره فلسطین فعال تر شده است. با توجه به اینکه سبوتینده نخستین زن آفریقایی تبار به حساب می‌آید که کرسی قضاوت دائم در دیوان را به دست آورده است انتظارات زیادی در زمینه توجه به مواضع کشورهای در حال توسعه و تحت استعمار و فشار سنتی و مدرن را برانگیخت که در عمل برعکس شد و با مخالفت‌های شدید وی با نظرات قضات اکثریت که شامل قضات آمریکایی، اروپایی و غربی نیز می‌شد و بعضاً یک در مقابل بقیه قضات بود، همراه بود و با توجه به فضای رسانه‌ای ضد اسرائیلی راه افتاده متعاقب جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی اسرائیل در غزه،

⁶ Vice-President

⁷ ICJ, Judge Julia Sebutinde elected Vice-President of the International Court of Justice, 02/06/2024, Document Number: 000-20240206-PRE-02-00-EN, Available at: <https://www.icj-cij.org/node/203538?>

⁸ Acting President

⁹ Yuji Iwasawa

¹⁰ Grace, Matsiko, supra note

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوره

به‌شدت تحت فشار حقوق‌دانان بین‌المللی، مردم و مقامات اوگاندایی و آفریقایی و به ویژه افکار عمومی جهانی قرار گرفت. جدا از رای‌دهی وی در پرونده‌های مربوط به فلسطین و نظرات جداگانه و مخالف، موضع وی در پاسخ به انتقادات، محکومیت گسترده‌ای را در پی داشت، همراه با اتهاماتی مبنی بر سرقت علمی و جانبداری، که ادعا می‌شود به ارتباطات احتمالی وی با اسرائیل و اعتقادات صهیونیسم مسیحی مرتبط است. در این مقاله؛ ابتدا مروری بر نظرات وی در چهار رای اخیر دیوان در قضیه فلسطین، پرداخته می‌شود و سپس در بخش بعدی به مواضع عجیب آخرالزمانی و مسیحی اونجالیستی وی در بسترهای عمومی در ارتباط با حمایت آشکار وی از اسرائیل پرداخته می‌شود و در انتها ضمن بررسی اتهامات سرقت علمی وی از منظر اساسنامه دیوان، به نقد نامه کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان به رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر انفصال قاضی سبوتینده از منظر بی‌طرفی قضایی دیوان پرداخته می‌شود.

(۱) مروری بر عملکرد قاضی سبوتینده از ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۵:

دوره نه ساله اول (۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱)، دوره کم‌حاشیه و آرامی برای وی بوده و نظرات جداگانه نسبتاً متعادلی داد. از جمله مهمترین آنان، در رای صلاحیتی ۵ اکتبر ۲۰۱۶ دیوان در قضیه جزایر مارشال، نظر جداگانه وی، نسبت به آنچه «آستانه سخت‌تر آگاهی»^{۱۱} در دیوان برای تعیین وجود اختلاف» می‌داند، انتقاد کند.^{۱۲} در نظر جداگانه وی در ۲۵ فوریه ۲۰۱۹ در نظر مشورتی راجع به چاگوس، در ارتباط با وضعیت چاگوس^{۱۳} در آن تأکید کرده «حق تعیین سرنوشت در زمینه استعمارزدایی به سطح قاعده آمره رسیده است» و افزود که دیوان باید اهمیت قواعد عام‌الشمول

¹¹ awareness

¹² Separate opinion of Judge Sebutinde, Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom), Preliminary Objections, Judgment of 5 October 2016, I.C.J. Reports 2016, para. 3 & 15 & 31 (sep. op. Sebutinde).

¹³ Chagos

بودن (تعهد در برابر همه) این حق را بیشتر در نظر بگیرد.^{۱۴} از دیگر نظرات مهم وی در دوره اول قضاوت، در قرار ۸ سپتامبر ۲۰۲۰ مربوط به رای کنگو علیه اوگاندا، در ارتباط با استخدام کارشناسان در یک پرونده بود. مسئله‌ای که او معتقد است دخالت کارشناسان در وظیفه قضایی دیوان می‌تواند تخصیص بار اثبات را به نفع یک طرف منحرف کند.^{۱۵} به صورت کلی؛ در دوره اول (۲۰۱۲-۲۰۲۱) قاضی سبوتینده، چند نظر جداگانه از وی منتشر شده است، اما به نظر نمی‌رسد که در این دوره جنجال عمومی بزرگی مثل آنچه در پرونده فلسطین دیده شده، ایجاد کرده باشد. نظرات او عمدتاً حقوقی و ساختاری مثل بار اثبات، نقش کارشناسان و آستانه اختلاف بوده‌اند. اما دور دوم قضاوت وی در دیوان که با نایب رئیسی وی نیز همراه بوده به دلیل صدور آرا و نظرات وی جنجالی بود. قرار موقت در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل، اصلاحیه دوم بر قرار موقت دیوان در این پرونده (در اصلاحیه اول، مواضع نسبتاً همراه با اکثریت از وی دیده شد)، نظریه مشورتی سال ۲۰۲۴ و نظریه مشورتی سال ۲۰۲۵ در قضیه فلسطین کارنامه مناقشه برانگیز از آرا و مواضع وی دیده می‌شود.

۱.۱) قرار موقت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل و آغاز مواضع مناقشه برانگیز سبوتینده:

مهم‌ترین بخش جنجالی در کارنامه سبوتینده مربوط است به رأی و نظر مخالف^{۱۶} وی در پرونده «ادعای نسل‌زدایی علیه اسرائیل» که توسط آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان مطرح شده است. در ژانویه ۲۰۲۴، دیوان اقدام به صدور قرار موقت^{۱۷} کرد که شامل الزاماتی برای اسرائیل، نظیر اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت از جمعیت فلسطینی در غزه، جلوگیری از اقدامات

¹⁴ Separate opinion of Judge Sebutinde, Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965 (Advisory Opinion), Advisory Opinion of 25 February 2019, I.C.J. Reports 2019, preamble & para. 25 & 46 & 47 (sep. op. Sebutinde).

¹⁵ Separate opinion of Judge Sebutinde, Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Order of 8 September 2020, Document No. 116-20200908-ORD-01-02-EN, Introduction & para. 5, et seq.

¹⁶ dissent

¹⁷ provisional measures

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوره

بالقوه نسل‌زدایی، تأمین کمک‌های انسان‌دوستانه و حفظ شواهد احتمالی بود. سبوتینده تنها قاضی دائمی بود که به تمامی شش دستور موقت رأی منفی داد. در قرار ژانویه ۲۰۲۴، دیوان با بررسی ویژگی علی‌الظاهر حقوق مورد ادعای آفریقای جنوبی^{۱۸} و بررسی وضعیت اضطراری جهت تدابیر فوری، و موقعیت ذی نفع بودن آفریقای جنوبی جهت طرح دعوی^{۱۹} و باور پذیر بودن حقوق مورد ادعا ذیل کنوانسیون نسل‌زدایی برای آفریقای جنوبی^{۲۰}، ضمن تأکید بر رعایت حقوق بشردوستانه توسط تمامی طرف‌ها و آزادی هرچه سریع‌تر گروگان‌ها در طول قرار صادره، در بند اجرایی بر جلوگیری از اقدامات بالقوه نسل‌زدایی و عدم انجام آن اقدامات، جلوگیری و تسهیل تهییج مستقیم و عمومی جهت ارتکاب نسل‌زدایی ضد گروه‌های فلسطینی در غزه، بسترسازی برای تأمین کمک‌های انسان‌دوستانه، حفظ و جلوگیری از نابودی شواهد احتمالی، و ارائه گزارش به دیوان یک ماه پس از صدور تأکید کرد. نکته برجسته این جا بود، در حالی که در قرار موقت، قاضی اختصاصی خوانده (اسرائیل)، قاضی باراک به دو بند اجرایی قرار درباره ارائه کمک‌های بشردوستانه به غزه و همچنین برای تدبیری که از اسرائیل می‌خواست «تمام اقدامات در حیطه اختیارات خود را برای جلوگیری و مجازات تحریک مستقیم و عمومی به ارتکاب نسل‌کشی» در غزه اتخاذ کند، رای مثبت داده بود، اما قاضی سبوتینده به تمامی بندهای اجرایی قرار رای مخالف داد.^{۲۱}

در چهار بخش می‌توان نظرات قاضی سبوتینده را بررسی کرد. نخست؛ وی بر سیاسی بودن طبیعت اختلاف و نه حقوقی بودن آن تأکید کرد. در نظر مخالف خود، سبوتینده تأکید می‌کند که اختلاف بین دولت اسرائیل و مردم فلسطین اساساً تاریخی و سیاسی است. او معتقد است این

¹⁸ prima facie

¹⁹ standing

²⁰ plausibility

²¹ Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), Provisional Measures, Order of 26 January 2024, I.C.J. Reports 2024, para. 86.

منزعه بیش از آنکه قابل حل از طریق دیوان باشد، باید از طریق راه‌حل‌های دیپلماتیک یا مذاکراتی (مذاکرات صلح، اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت) مدیریت شود. به نظر او، ارجاع کامل چنین اختلافی به دیوان ممکن است به «قضایی‌سازی افراطی»^{۲۲} منجر شود و نقش دیپلماتیک را نادیده بگیرد.^{۲۳} محور دوم نظرات وی در قرار موقت بر فراهم نشدن شرایط لازم برای صدور قرار موقت تاکید دارد. یکی از پیش‌شرط‌های صدور قرار موقت، «معقول و باورپذیر بودن ادعای حقوقی» حقوق مورد ادعا است. سبوتینده معتقد است که آفریقای جنوبی حتی «علی‌الظاهر»^{۲۴} هم نتوانسته نشان دهد که اسنادی که ادعا می‌کند اسرائیل مرتکب اعمال نسل‌زدایی شده‌اند، عملاً با نیت نسل‌زدایی صورت گرفته‌اند. او می‌گوید که قصد نسل‌زدایی^{۲۵} یکی از عناصر اساسی جرم نسل‌زدایی است، و آفریقای جنوبی نتوانسته به حد کافی نشان دهد که اسرائیل این قصد را دارد. از نظر او، حقوقی که آفریقای جنوبی درخواست محافظت از آن‌ها را کرده نیز «باورپذیر تحت کنوانسیون نسل‌زدایی» نبوده‌اند، چون بنیاد ادعای آنان، نیت مورد نیاز جرم نسل‌زدایی را ندارد.^{۲۶} محور سوم نظرات وی در قرار موقت معطوف به انتقاد از تحلیل شواهد و سیاست جنگی اسرائیل بود. سبوتینده این نکته را مطرح می‌کند که دیوان در نظر اکثریت خود، بررسی شواهد اسرائیل یا سیاست جنگی آن را به اندازه کافی جدی نگرفته است. او معتقد است که وقتی به دقت سیاست جنگی اسرائیل و بیانیه‌های مقامات آن کشور بررسی شوند، برخی از آن‌ها واقعاً ممکن است «قصد نسل‌زدایی» را نشان ندهند، بلکه مربوط به اهداف نظامی مشروع یا امنیتی باشد. بنابراین؛ به نظر او دیوان در این مرحله مقدماتی (قرار موقت) روی پیش‌فرض‌های

²² over-judicialization

²³ Dissenting opinion of Judge Sebutinde, Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), Order of 26 January 2024, paras. 1-5, Document No. 192-20240126-ORD-01-02-EN (sep. op. Sebutinde).

²⁴ prima facie

²⁵ genocidal intent

²⁶ Sebutinde, diss. op., Provisional Measures (26 Jan. 2024), paras. 3 & 17 & 25

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوره

حقوقی قوی‌تری نسبت به شواهد واقعی تکیه کرده است.^{۲۷} محور چهارم مربوط به مسائل مشروعیت و اصول دیپلماتیک بود. سبوتینده در نظر خود تأکید می‌کند که راه حل پایدار منازعه فلسطین-اسرائیل باید از طریق مذاکرات «خردمندانانه با حسن نیت»^{۲۸} انجام شود، نه صرفاً از طریق روند قضایی بین‌المللی. او همچنین به «اجرای با حسن نیت قطع‌نامه‌های شورای امنیت» به‌عنوان بخشی از راه‌حل احتمالی اشاره می‌کند و معتقد است که دیوان نباید جایگزین مذاکرات سیاسی شود. در پایان، سبوتینده جمع‌بندی می‌کند که در وضعیت فعلی، دستورات موقتی که دیوان صادر کرده «موّجه» نیستند؛ او می‌گوید «این تدابیر توسط دیوان به صورت قضائتی بیش از حد گسترده صادر شده‌اند» و نمی‌تواند بپذیرد که دیوان نقش «کنترل کامل نظامی» را بر عهده بگیرد.^{۲۹}

به صورت کلی؛ موضع سبوتینده منعکس‌کننده یک رویکرد محتاطانه حقوقی/قضایی است. او نگران است که دیوان با صدور تدابیر موقت قوی، وارد قلمرو سیاست و نظامی شود که فراتر از صلاحیت عادی قضایی باشد. او تأکید دارد که «قصد نسل‌زدایی» باید به‌طور جدی اثبات شود، حتی در مرحله موقتی، تا دستورات معنادار بر اساس کنوانسیون نسل‌زدایی صادر شود، و نمی‌پذیرد که شواهد اولیه کافی باشد. رویکرد او نشان می‌دهد که او به توازن بین حقوق بین‌المللی بشردوستانه و کنوانسیون نسل‌زدایی از یک سو و حق دولت به دفاع مشروع و امنیت ملی اسرائیل از سوی دیگر اهمیت می‌دهد. همچنین، موضع او بیانگر این است که نقش دیوان نباید به «داور کامل تحولات نظامی و امنیتی» تبدیل شود، بلکه باید با توجه به پیچیدگی‌های سیاسی-تاریخی مناقشه فلسطین-اسرائیل در چارچوب محدودتری عمل کند.

²⁷ *Ibid*, paras. 30-32 & 34

²⁸ good-faith negotiations

²⁹ Sebutinde, diss. op., Provisional Measures (26 Jan. 2024), paras. 3 & 4 & 11 & 33-35 & 41 & 47

۱.۲) اصلاحیه اول و دوم دیوان به قرار موقت و موضع سبوتینده:

در حین تشدید اوضاع انسانی در غزه بر اثر حملات بی‌امان اسرائیل به مردم غزه و متعاقب درخواست آفریقای جنوبی، دیوان دو اصلاحیه در مارس و مه ۲۰۲۴ بر دستور موقت اصلی خود صادر کرد. اصلاحیه اول در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۲۴، به‌عنوان واکنشی به وخامت وضعیت غزه (قحطی، شرایط زندگی) طراحی شد: دیوان «تجدید» دستورات اولیه قرار موقت و اضافه کردن تضمین کمک بشردوستانه در سطح گسترده‌تر (آب، غذا، سوخت، برق، پزشکی) را انجام داد. اصلاحیه دوم در تاریخ ۲۴ مه ۲۰۲۴، جهشی بزرگ‌تر بود. دیوان به‌طور خاص تأکید بر رفع دارد و خواستار توقف عملیات نظامی در آن ناحیه بوده، و در آن اصلاحیه دسترسی بین‌المللی برای تحقیق و جمع‌آوری شواهد را قوی‌تر کرده است. موضع قاضی سبوتینده در اصلاحیه اول سکوت نسبی (بدون مخالفت رسمی)، اما در اصلاح دوم مخالفت فعالانه بوده است. او به نظر می‌رسد که نگرانی‌هایی دارد که نقش قضایی دیوان بیش از حد فراتر رفته و مسائل امنیتی و نظامی را «بیش از حد قضایی» می‌کند. به تعبیر دیگر، در آن نظر مخالف، سبوتینده استدلال کرده است که تغییرات وضعیت (به‌ویژه در رفع) جدی‌اند، اما نسبت به «قضاوت جزئی‌نگر» دیوان محتاط است. وی نگران است که دیوان با ورود به «مدیریت نظامی»^{۳۰} بیش از حد درگیری را حقوقی کند و نقش قضایی را فراتر از صلاحیت معقول بگستراند.

در اصلاحیه اول قرار موقت در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۲۴، غیر از بند اجرایی اول که مجدداً بر تمامی بندهای اجرایی قرار موقت ۲۶ ژانویه مهر تأیید زده بود، به باقی بندهای اجرایی قرار رای مثبت داد. تأیید تدابیر قبلی نشان می‌دهد که دیوان آن تدابیر اولیه را هنوز ضروری می‌داند و وضعیت به‌گونه‌ای تغییر نیافته که آنها بی‌اثر شده باشند. دیوان جهت تسهیل شدید کمک‌های انسان‌دوستانه، تدابیر جدیدی در اصلاحیه اول بر قرار موقت تعیین کرد. مثلاً؛ تأمین غذا، آب،

³⁰ micromanaging of hostilities

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوره

برق، سوخت، خدمات بهداشتی، دارو و مراقبت پزشکی در مقیاسی وسیع با همکاری کامل با سازمان ملل، حفظ نقاط عبور زمینی، و باز نگه‌داشتن این گذرگاه‌ها تا زمانی که لازم است. همچنین دیوان بر تضمین عدم ارتکاب اعمال ناقض حقوق فلسطینیان در غزه را به‌عنوان گروه محافظت‌شده طبق کنوانسیون نسل‌زدایی به ویژه ممانعت از ارائه کمک انسان‌دوستانه، و الزام گزارش‌دهی ۱ ماه پس از صدور قرار تأکید کرده است.^{۳۱} در اصلاحیه دوم قرار موقت در تاریخ ۲۴ مه ۲۰۲۴، قاضی سبوتینده مجدداً به تمامی بندهای اجرایی دیوان از جمله بند اجرایی اول که تأیید بر دو قرار قبلی (قرار اول، و اصلاحیه نخست از قرار موقت) رای منفی داد. نکات متناقض عملکرد و رای منفی قاضی سبوتینده آن بود که به بند اجرایی اول اصلاحیه دوم قرار موقت رای منفی داد؛ در آن بند اجرایی، اصلاحیه نخست قرار موقت را مورد تأیید مجدد داده که همه بندهای اجرایی آن، غیر از بند اجرایی اول اصلاحیه اول، با رای مثبت قاضی سبوتینده همراه شده بود. دستورات جدید اضافه‌شده در اصلاحیه اول بر قرار موقت، شامل توقف فوری عملیات نظامی اسرائیل در منطقه رفح و دیگر عملیات که می‌تواند به تخریب فیزیکی جمعیت فلسطینی منجر شود، و حفظ باز بودن گذرگاه رفح برای ورود کمک‌های اولیه، خدمات اساسی و انسان‌دوستانه به مقیاس بزرگ، و تضمین دسترسی بدون مانع سازمان‌های بین‌المللی (کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، مأموریت‌های تحقیق، خبرنگاران و غیره) به غزه و جمع‌آوری شواهد و حفظ آن‌ها، و الزام به گزارش‌دهی توسط اسرائیل به دیوان درباره اقداماتی که برای اجرای این دستور انجام داده است، ظرف یک ماه پس از صدور آن دستور بود. برخلاف اصلاحیه اول بر قرار موقت که قاضی سبوتینده، نظر جداگانه یا مخالفی صادر نکرد، مجدداً در اصلاحیه دوم، وی نظر مخالفی صادر کرد و در آن نظر، وی حق اسرائیل به دفاع مشروع در برابر دشمنان، از جمله حماس را تأکید کرده

³¹ Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), Order of 28 March 2024, para. 51, General List No. 192, Document No. 192-20240328-ORD-01-00-EN.

و افزود که اسرائیل باید بتواند عملیات نظامی خود را ادامه دهد. او نگرانی داشت که دستورات موقت دیوان «عملیات نظامی اسرائیل را بیش از حد محدود کند» و این موضوع را به «مدیریت خرد درگیری‌ها» تشبیه کرده است، به طوری که ممکن است کارایی نظامی اسرائیل در دفاع مشروع را مختل سازد.^{۳۲}

محور نخست نظر وی در اصلاحیه دوم قرار موقت در مه ۲۰۲۴ در ارتباط با عدم وجود واقعیت جدید است. سبوتینده معتقد است که وضعیت در رفح^{۳۳} که آفریقای جنوبی به آن استناد کرده، «یک واقعیت جدید» نیست که توجه‌کننده تغییر دستورات قبلی باشد. او استدلال می‌کند که دستوراتی که قبلاً در قرار موقت اصلی و اصلاحیه اول تعیین شده‌اند (در ۲۶ ژانویه و ۲۸ مارس) به اندازه کافی وضعیت رفح را در نظر گرفته‌اند.^{۳۴} محور بعدی نظر وی در ارتباط با مدیریت خرد درگیری نظامی است. یکی از نگرانی‌های او این است که آفریقای جنوبی از دیوان می‌خواهد در شیوه‌ی مدیریت درگیری^{۳۵} دخالت کند، به شکلی که دیوان را وارد قضاوت دقیق بر تعامل نظامی کند. به نظر سبوتینده، این یک مدیریت خرد قضایی^{۳۶} است که فراتر از نقش استاندارد دیوان است.^{۳۷} در محور بعدی وی بر حق دفاع اسرائیل تأکید کرد. سبوتینده تأکید دارد که اسرائیل حق دارد از خود دفاع کند، شامل دفاع در برابر حماس و تلاش برای نجات گروگان‌ها، و این حق‌ها (امنیتی/نظامی) با تعهدات مطابق کنوانسیون نسل‌زدایی ناسازگار نیستند. او بر این باور است که دیوان باید در تحلیل‌اش این حق دفاع مشروع اسرائیل را به حساب بیاورد.^{۳۸} در محور بعدی وی به زمینه امنیتی گسترده‌تر اشاره دارد. او معتقد است که دیوان باید تهدیدات

³² Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), Order of 24 March 2024, para. 57, General List No. 192, Document No. 192-20240324-ORD-01-00-EN.

³³ Rafah

³⁴ Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, paras. 1.

³⁵ conduct of hostilities

³⁶ judicial micromanagement

³⁷ Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, paras. 1-2

³⁸ *Ibid*, paras. 3 & 8

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوره

موجود علیه اسرائیل را در «یک زمینه امنیتی بزرگتر از چند جبهه»^{۳۹} در نظر بگیرد. یعنی از نظر او، تحلیل دیوان، اگر فقط بر جنبه بشردوستانه تأکید کند، بخشی از واقعیت را نادیده می‌گذارد.^{۴۰} در انتها در تناقضی آشکار با رای وی به بند اول اجرایی و قرار موقت اصلی، وی دستورات قدیمی را کافی می‌داند (که قبلاً وی به آن‌ها رای منفی داده بود). سبوتینده بر این باور است که دستورات موقتی اولیه-که دیوان آن‌ها را دوبار (در ژانویه و مارس) تعیین کرده- «به اندازه کافی وضعیت را پوشش داده‌اند». او معتقد است نیازی به تغییر بیشتر^{۴۱} آن‌ها نبوده است چون دستورات مشخص قبلی، در شرایط رفح، می‌توانند پاسخگو باشند.^{۴۲} تناقض از این حیث است که در حالی وی دستورات قبلی در قرار موقت اول و اصلاحیه اول را کافی می‌داند که وی به هر ۶ بند اجرایی قرار موقت اصلی، و همچنین بند اول اصلاحیه اول قرار موقت اصلی در مارس ۲۰۲۴ و بند اول اجرایی اصلاحیه دوم قرار موقت اصلی در مه ۲۰۲۴ که دستورات قبلی را مجدداً مورد تأکید خود قرار می‌دهند، رای منفی داد.

در مجموع باید گفت که موضع سبوتینده در اصلاحیه دوم به قرار موقت اصلی نشان می‌دهد که او دیدگاه محدودتر قضایی‌نگرانه‌تری نسبت به دیوان دارد. او نگران است که دیوان وارد حوزه عملیاتی نظامی شود و نقش «مهارگر قضایی»^{۴۳} را از دست بدهد. او بر تعادل بین حقوق بشر فلسطینیان (حق مصونیت از نسل‌زدایی) و حق امنیت و دفاع اسرائیل تأکید دارد. وی معتقد است این دو لزوماً در تقابل کامل نیستند و دیوان باید با احتیاط وارد شود. نگرانی او درباره «دخالت دیوان در جزئیات نظامی» منعکس‌کننده یک چالش مهم در حقوق بین‌الملل معاصر است که همانا مرزبندی میان نقش قضایی بین‌المللی و حاکمیت نظامی/امنیتی دولت‌ها در درگیری می‌باشد.

³⁹ existential threats from multiple actors

⁴⁰ Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, paras. 4 & 7 & 8

⁴¹ modification

⁴² Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, paras. 1 & 22 & 30

⁴³ judicial restraint

۱.۳) نظریه مشورتی ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ دیوان درباره فلسطین و مواضع سبوتینده:

در ارتباط با نظریه مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان، با عنوان پیامدهای حقوقی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در اراضی فلسطینی اشغالی، نخست دیوان به صلاحیت خود و پذیرش درخواست می‌پردازد و با اجماع رأی می‌دهد که صلاحیت دارد درخواست مجمع عمومی را بپذیرد. دیوان اعلام کرد که «حضور مداوم اسرائیل» در اراضی اشغالی «غیرقانونی است» و یک «عمل متخلفانه»^{۴۴} بین‌المللی محسوب می‌شود. بر اساس این تشخیص، دیوان گفت اسرائیل «تکلیف دارد هر چه زودتر» این حضور غیرقانونی را پایان دهد. دیوان همچنین حکم داد که اسرائیل باید «تمام فعالیت‌های جدید شهرک‌سازی» را فوراً متوقف کند و شهرک‌نشینی را که در اراضی اشغالی هستند، تخلیه کند. دیوان بر تعهد اسرائیل برای جبران^{۴۵} آسیب‌هایی که توسط اشغال ایجاد شده تأکید دارد. دیوان همچنین بر تکلیف کشورهای ثالث تأکید کرده که «وضعیت ناشی از اشغال غیرقانونی» را به رسمیت نشناسند و به گونه‌ای به آن کمک نکنند. در ارتباط با تأثیرهای حقوقی نظریات مشورتی بر سازمان ملل نیز دیوان بر تعهد مجمع عمومی و شورای امنیت بر تشدید اقدامات جهت خاتمه دادن هرچه سریع‌تر حضور غیرقانونی اسرائیل در اراضی اشغالی فلسطین تأکید کرد.^{۴۶}

در ارتباط با نظریه مشورتی ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵ دیوان، با عنوان تکالیف اسرائیل نسبت به حضور و فعالیت سازمان ملل، دیگر نهادهای بین‌المللی و دولت‌های ثالث در اراضی فلسطینی، مجمع عمومی در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴، از دیوان خواست نظریه حقوقی درباره تکالیف اسرائیل، به‌عنوان قدرت اشغالگر و به‌عنوان عضوی از سازمان ملل، در ارتباط با حضور و فعالیت سازمان ملل، سایر سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های ثالث در اراضی فلسطینی اشغالی، به‌ویژه تضمین و

⁴⁴ wrongful act

⁴⁵ reparation

⁴⁶ Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, paras. 285, General List No. 186, Document No. 186-20240719-ADV-01-00-EN.

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوصی

تسهیل جریان کمک‌های انسانی ضروری، خدمات پایه‌ای و کمک توسعه‌ای برای مردم فلسطینی و حمایت از حق تعیین سرنوشت آن‌ها بدهد. دیوان اعلام کرد که اسرائیل، به‌عنوان قدرت اشغالگر، براساس حقوق اشغال «تکالیفی» دارد (از جمله کنوانسیون چهارم ژنو و عرف بین‌المللی) که باید اراضی اشغالی را به نفع جمعیت محلی اداره کند، که از جمله به مواردی چون اطمینان و عدم ممانعت از تامین ضروریات روزانه زندگی مردم، تسهیل طرح‌های امدادسانی به نفع این جمعیت شامل کمک‌های ارائه‌شده توسط سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن، احترام و حفاظت از تمامی کارکنان و تسهیلات امدادی و درمانی، احترام به منع انتقال اجباری جمعیت سرزمین اشغالی، احترام به حقوق مردم محافظت شده محبوس شده توسط اسرائیل جهت ملاقات آنان با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و احترام به منع استفاده از گرسنگی دادن به شهروندان به عنوان شیوه جنگی اشاره کرد. دیوان تأکید کرده که نگرانی‌های امنیتی اسرائیل نمی‌تواند ابزار مطلق برای نقض کامل تکالیف حقوق بشردوستانه باشد. محدودیت به دلیل امنیت باید مبتنی بر قاعده خاص حقوق بین‌المللی باشد، و امنیت نباید بهانه‌ای برای نقض حقوق مردم اشغالی شود. احترام و حفاظت و اجرای حقوق بشر جمعیت سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله از طریق حضور و فعالیت‌های سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، دستور دیگر دیوان بود. در مورد نهادهای سازمان ملل (مثل آنروا) و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، دیوان گفته است اسرائیل نباید مانع فعالیت آن‌ها به شکلی غیرمنصفانه شود. باید همکاری کند، دسترسی مساعد برای آن‌ها فراهم کند و از حقوق آن‌ها در ارائه کمک حمایت نماید. دیوان همچنین متذکر شده که دولت‌های ثالث (کشورهای دیگر) و سازمان‌های بین‌المللی، نقش مهمی دارند و نباید به اقداماتی تن دهند که حضور انسانی یا کمک‌رسانی این نهادها را مختل کند. تضمین احترام به مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد و نهادها و آژانس‌ها و مقامات آن ذیل ماده ۱۰۵ منشور، احترام به تعرض ناپذیری اماکن سازمان ملل از جمله آنروا و مصونیت اموال ذیل ماده ۲ کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد، تضمین احترام به مزایا و مصونیت‌های کارکنان و کارشناسان در

ماموریت سازمان ملل در ارتباط با اراضی اشغالی ذیل مواد ۵ و ۶ و ۷ کنوانسیون مزایا و مصونیت های سازمان ملل متحد از دیگر موارد مورد دستور دیوان است. دیوان بر اهمیت حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطینی تأکید می کند، کمک و خدمات باید طوری سازماندهی شوند که از حق فلسطینیان برای تعیین سرنوشت آنها حمایت شود.^{۴۷}

یکی از محورهای مورد اشاره قاضی سبوتینده در نظر مخالف خود به نظر مشورتی ۲۰۲۴، تکرار موارد گذشته و سوءاستفاده از صلاحیت مشورتی است. وی می گوید دیوان مسائل بنیادی را که قبلاً در «رأی دیوار حائل (۲۰۰۴)» و قرار موقت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل و دو اصلاحیه به قرار موقت، بررسی شده بود مجدداً و بی ضرورت بازنویسی کرده است؛ این کار «سوءاستفاده از صلاحیت مشورتی» و عامل سیاسی زدگی قضایی است.^{۴۸} محور دیگر مورد اشاره قاضی سبوتینده تداخل با پرونده های مورد بررسی دیوان است. سبوتینده هشدار می دهد رسیدگی مشورتی به «مسائل واقعاً مرتبط» با پرونده های تحت بررسی دیوان از جمله آفریقای جنوبی علیه اسرائیل، ممکن است به زیان طرف خواننده تمام شود و نتیجه گیری های مشورتی، محتوای رسیدگی قضایی را از پیش تعیین کند.^{۴۹} قابلیت اجرا و عملی بودن بعضی نتایج حقوقی، محور دیگر مورد اشاره وی بود. او با برخی نتایج حقوقی اکثریت از جمله الزام به خاتمه دادن به حضور اسرائیل در برخی مناطق به دلایل امنیتی و واقعیت های میدانی مخالف است و آن را غیرعملی یا ناموجه می داند.^{۵۰} فقدان نگاه متوازن به کلیت بازیگران و علل بحران نیز در نظر مخالف وی اشاره شد. سبوتینده می گوید پرسش مجمع عمومی، و در نتیجه نظر اکثریت، «به طرز نامتعادل» اسرائیل را به عنوان

⁴⁷ Obligations of Israel in relation to the Presence and Activities of the United Nations, Other International Organizations and Third States in and in relation to the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion), Advisory Opinion of 22 October 2025, paras. 457, Case No. 196, Document No. 196-20251022-ADV-01-00-EN

⁴⁸ Dissenting opinion of Vice-President Sebutinde, Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem (Advisory Opinion), Advisory Opinion of 19 July 2024, paras. 47 & 51 & 52, Case No. 186, (dissenting opinion Sebutinde).

⁴⁹ *Ibid*, paras. 47

⁵⁰ *Ibid*, paras. 54 & 56 & 58

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

تنها مسئول بحران نشان می‌دهد و نقش گروه‌های غیردولتی مسلح و دولت‌های ثالث را کم اثر می‌پندارد؛ این باعث می‌شود حکم مشورتی واقعیت‌پیمایه درگیری را منعکس نکند.^{۵۱} وی در نظر مخالف خود به ملاحظات بر اصول حل و فصل سیاسی نیز اشاره کرد. او تأکید دارد که بسیاری از مسائل باید از مسیر مذاکرات و سازوکارهای سیاسی بین‌المللی حل شوند و نه از طریق صدور حکم مشورتی کلی که می‌تواند در عمل مانع یا جایگزین روند سیاسی شود.^{۵۲}

یکی از محورهای مورد اشاره قاضی سبوتینده در نظر جداگانه خود به نظر مشورتی ۲۰۲۵، نگرانی از بازگشت به موضوعات پیش‌تر حل‌شده و افزایش بی‌مورد دامنه رأی است؛ مانند نظر جداگانه وی به نظر مشورتی ۲۰۲۴. سبوتینده می‌گوید دیوان تا حدی موضوعاتی را بازتفسیر کرده که قبلاً در آراء و نظریات مشورتی پیشین پوشش داده شده‌اند؛ این تکرار می‌تواند ساختار حقوقی مشخص را مبهم کند و موجب سردرگمی در وظایف دول و نهادهای بین‌المللی شود.^{۵۳} محور دیگر مورد اشاره قاضی سبوتینده احتیاط در نسبت دادن تکالیف به سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های ثالث است. سبوتینده هشدار می‌دهد قرار دادن «تکالیف حقوقی مشخص و سنگین» بر سازمان‌های بین‌المللی یا دولت‌های ثالث (مثلاً در باب «عدم شناخت وضع» یا «اقدامات مقابله‌ای») بدون در نظر گرفتن سازوکارهای عملی و سیاسی این نهادها، می‌تواند موجب تعارضات عملی و حقوقی شود. او از لزوم طراحی «قابل اجرا» و «واقع‌بینانه» تکالیف سخن می‌گوید.^{۵۴} حفظ ظرفیت عملی نهادها و نقش آن‌روا، محور دیگر مورد اشاره وی بود. در آن رأی مشورتی موضوع نقش و وضعیت آن‌روا و سایر آرژانس‌ها مطرح بود؛ سبوتینده بر این باور است که دیوان نباید با سخنان کلی

⁵¹ *Ibid*, paras. 1 & 2 & 6 & 42 & 80

⁵² *Ibid*, paras. preamble & 28 & 35 & 43 & 66 & 90

⁵³ Separate opinion of Vice-President Sebutinde, Obligations of Israel in relation to the Presence and Activities of the United Nations, Other International Organizations and Third States in and in relation to the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion), Advisory Opinion of 22 October 2025, para. 9 & 10 & 11, Case No. 196, Document No. 196-20251022-ADV-01-01-EN (sep. op. Sebutinde).

⁵⁴ *Ibid*, paras. 15 & 30 & 34

و دستورات بسیار گسترده، عملکرد عملی آژانس‌های امدادی را تضعیف کند؛ باید راه‌حل‌های حقوقی در نظر گرفته شود که امکان اجرای انسانی و عملی را باقی بگذارد.^{۵۵} تمایل به رویکرد محتاطانه قضایی و حفظ فضای مذاکره سیاسی نیز در نظر جداگانه وی اشاره شد. استمرار دیدگاه وی در نظریه مشورتی ۲۰۲۵ این است که دیوان باید نقش خود را قضایی و معین نگه دارد، و از صدور توصیه‌های حقوقی که عملاً فشار سیاسی-عملی سنگینی بر دولت‌ها و سازمان‌ها وارد می‌آورد، پرهیز نماید.^{۵۶} به صورت کلی؛ سبوتینده خواهان رویکرد «محدود، عملی و واقع‌بینانه» است: یعنی وقتی دیوان به تکالیف دولت‌ها یا سازمان‌ها اشاره می‌کند باید دقیقاً سازوکار اجرا، امکان‌سنجی و تبعات عملی آن را سنجیده باشد تا از تضعیف نهادهای امدادی یا تشدید بحران انسانی جلوگیری شود. او همچنین هشدار می‌دهد که رأی‌های بسیار گسترده حقوقی می‌توانند سیاست بیرونی و عملیات میان‌دولتی را پیچیده‌تر سازند.^{۵۷}

۱.۴) نگاهی کلان به نظرات قاضی سبوتینده در قرار و نظریات مشورتی صادره درباره

فلسطین:

تحلیل یکپارچه نظرات مخالف و جداگانه قاضی سبوتینده در قرار موقت افریقای جنوبی علیه اسرائیل و اصلاحیه دوم بر قرار موقت، نظریات مشورتی ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که خط مشی وی در تمام پرونده‌های مرتبط با مناقشه اسرائیل و فلسطین، بر دو اصل استوار است: ۱. اجتناب دیوان از ورود به مسائل سیاسی-سرزمینی که مستلزم مذاکره هستند و ۲. لزوم به رسمیت شناختن نگرانی‌های امنیتی مشروع و حقوق حاکمیتی اسرائیل در کنار تعهدات بشردوستانه آن. قاضی سبوتینده به طور سیستماتیک در هر چهار نظر، تلاش‌های مجمع عمومی و آفریقای جنوبی برای کشاندن اختلافات به دیوان را نامتوازن، یک‌جانبه و برهم زننده چارچوب مذاکراتی می‌داند. وی

⁵⁵ *Ibid*, paras. 30 & 45 & 96 & 97 & 102

⁵⁶ *Ibid*, paras. 2 & 9 & 10 & 15 & 30 & 105

⁵⁷ *Ibid*, paras. 10 & 16 & 17 & 30 & 96

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منسوری

در پرونده‌های نسل‌زدایی، بر فقدان قصد نسل‌زدایی (در مقابل نقض شدید حقوق بشردوستانه) تأکید دارد و در نظریات مشورتی، بر محدودیت اختیارات قضایی دیوان در مواجهه با موضوعات سرزمینی و امنیتی تأکید می‌کند. به عنوان جمع‌بندی، طبقه‌بندی موضوعی زیر را می‌توان ارائه داد که شامل نقش و صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، وضعیت حقوقی سرزمین‌ها و حق حاکمیت و اشغال، حقوق بشردوستانه و امنیت ملی و سازمان‌های بین‌المللی، و موارد مربوط به نسل‌زدایی است.

در ارتباط با نقش و صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، شامل دیدگاه قاضی سبوتینده در مورد حدود وظایف قضایی دیوان، ماهیت مناقشه و چارچوب صحیح حل و فصل آن است و موضوعات این دسته بندی شامل موارد ذیل است. در همه نظرات وی به ماهیت سیاسی و سرزمینی مناقشه اشاره کرد. وی معتقد بود که مناقشه بین اسرائیل و مردم فلسطین اساساً و از لحاظ تاریخی یک مسئله سیاسی یا ارضی (و ایدئولوژیک) است که مستلزم حل و فصل دیپلماتیک یا مذاکره شده است، نه حل و فصل قضایی. در نظریه مشورتی ۲۰۲۵ و اصلاحیه دوم به قرار موقت وی به خویش‌داری قضایی و حفظ یکپارچگی دیوان اشاره داشت. سبوتینده اشاره داشت که درخواست‌های مجمع عمومی یا آفریقای جنوبی اصل رضایت دولت برای حل و فصل قضایی اختلافات بین‌الدول را دور می‌زند.^{۵۸} در نظریه مشورتی ۲۰۲۵ وی به سوء استفاده از صلاحیت مشورتی اشاره داشت که درباره تکرار مسائل پیش‌تر قضاوت شده (مانند اعمال حقوق بشردوستانه یا بشر)، سوء استفاده آشکار از صلاحیت مشورتی دیوان و سیاسی کردن وظیفه قضایی آن است. در همان نظریه مشورتی همچنین وی به قضاوت پیشینی پرداخت و معتقد بود که رسیدگی به «نقض‌های ادعایی» یا مفاد بشردوستانه در مرحله مشورتی، خطر قضاوت پیشینی در مورد مسائلی را

⁵⁸ Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, para. 1; Sebutinde, sep. op., Advisory Opinion (22 Oct. 2025), paras. 2 & 9 & 15

دارد که در حال حاضر در پرونده‌های ترافیعی (مانند آفریقای جنوبی علیه اسرائیل) مطرح هستند.^{۵۹} در نظریه مشورتی ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، وی به عدم وجود اطلاعات کافی و متوازن پرداخت و دیوان را فاقد مبنای شواهد کافی، دقیق، متوازن و قابل اعتماد برای ارزیابی عادلانه حقایق مورد مناقشه دانست و اکثر اظهارات ارائه شده دیوان را روایت یک‌جانبه‌ای از مناقشه دانست.^{۶۰} آخرین مورد بررسی در محور نقش و صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، پیش‌فرض‌های نادرست در سؤالات مجمع عمومی بود که در نظر مشورتی ۲۰۲۴ اشاره شده و سؤالات مجمع عمومی را حاوی پیش‌فرض‌های قضاوتی از پیش تعیین شده دانست (مانند غیرقانونی بودن اشغال از سال ۱۹۶۷ یا ذاتاً تبعیض‌آمیز بودن سیاست‌های اسرائیل) که مانع از بررسی متوازن می‌شود.^{۶۱} محور مربوط به وضعیت حقوقی سرزمین‌ها و حق حاکمیت و اشغال شامل تحلیل سبوتینده در مورد حقوق ارضی اسرائیل، شهرک‌سازی‌ها، و چارچوب حقوقی اشغال است. در نظریه مشورتی ۲۰۲۴، وی به اصل حفظ مرزهای اداری پیشین^{۶۲} اشاره داشت که این اصل ایجاب می‌کند که مرزهای اسرائیل با مرزهای اداری قیمومت بریتانیا در سال ۱۹۴۸ منطبق باشد. این اصل به اسرائیل ادعای حاکمیت سرزمینی بر تمام مناطق مورد مناقشه (از جمله کرانه باختری، غزه و بیت‌المقدس) را اعطا می‌کند.^{۶۳} در همان نظریه مشورتی وی به خطوط آتش‌بس بودن مرزهای ۱۹۶۷ اشاره داشت. وی معتقد بود که خطوط آتش‌بس ۱۹۴۹ (مرزهای ۱۹۶۷) مرزهای قانونی بین‌المللی اسرائیل نیستند. این خطوط در توافقنامه‌های آتش‌بس بدون خدشه به حل و فصل سرزمینی آینده امضا شدند.^{۶۴} وی منتفی نشدن قانونی بودن اشغال صرفاً با گذشت زمان را نیز در نظریه مشورتی

⁵⁹ Sebutinde, sep. op., Advisory Opinion (22 Oct. 2025), para. 10 & 12 & 14 & 21 & 22 & 23

⁶⁰ Legal Consequences (Advisory Opinion, 2024), paras. preamble, 1 & 42; Sebutinde, sep. op., Advisory Opinion (22 Oct. 2025), paras. 6 & 11 & 13 & 43 & 46

⁶¹ Legal Consequences (Advisory Opinion, 2024), paras. 1 & 50

⁶² Uti Possidetis Juris

⁶³ Legal Consequences (Advisory Opinion, 2024), paras. 62 & 72 & 73

⁶⁴ Legal Consequences (Advisory Opinion, 2024), paras. 74 & 75 & 76

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوصی

۲۰۲۴ اشاره کرد و بیان داشت که رویه دولت‌ها و قصد حقوقی^{۶۵} از قاعده‌ای مبنی بر اینکه یک اشغال قانونی (ناشی از حق دفاع مشروع) صرفاً به دلیل گذشت زمان غیرقانونی شود، حمایت نمی‌کند.^{۶۶} در نظریه مشورتی ۲۰۲۴، وی شهرک سازی را به نوعی قانونی دانست. بدین صورت که دیدگاهی که شهرک‌سازی‌ها را صرفاً بر اساس ماده ۴۹ (۶) کنوانسیون چهارم ژنو غیرقانونی می‌داند، نادرست خواند و این دیدگاه را ناقض روح و متن این ماده دانسته و با ماده ۶ سند قیمومت فلسطین که اسکان یهودیان را تشویق می‌کرد، متناقض دانست.^{۶۷} در نظریه مشورتی ۲۰۲۴، وی خروج را غیرعملی خواند. وی بیان داشت که خروج فوری، کامل و بدون قید و شرط نیروهای مسلح و شهرک‌های اسرائیلی غیرعملی است؛ زیرا حضور اسرائیل ناشی از نگرانی‌های امنیتی واقعی و عدم توافق بر سر مرزها است.^{۶۸} در نظریه مشورتی ۲۰۲۴، وی اصل جبران خسارت را نامناسب خواند و بیان داشت که اعمال اصل کارخانه خورزوف برای جبران خسارت کامل نامناسب است؛ زیرا در این مناقشه، تقصیر و مسئولیت متوجه همه طرف‌ها است (اسرائیل، فلسطینی‌ها به دلیل روی آوردن به جنگ، و جامعه بین‌المللی به دلیل تأخیر)^{۶۹}

محور مربوط به حقوق بشردوستانه و امنیت ملی و سازمان‌های بین‌المللی بر تعهدات اسرائیل به عنوان یک کشور عضو سازمان ملل و قدرت اشغالگر، به‌ویژه در ارتباط با آژانس امداد رسانی (آنروا) تمرکز دارد. در نظریه مشورتی ۲۰۲۵، وی بر توازن میان تعهدات و امنیت تأکید کرد و بیان داشت که اسرائیل باید تعهدات بشردوستانه خود را به گونه‌ای انجام دهد که امنیت مشروع آن را به خطر نیندازد. حتی قدرت‌های اشغالگر نیز از میزانی از صلاح‌دید در اجرای تعهدات قانونی خود برخوردارند.^{۷۰} در همان نظر، وی ضمن بیان منوط بودن فعالیت آنروا به رضایت میزبان معتقد

⁶⁵ *opinio juris*

⁶⁶ Legal Consequences (Advisory Opinion, 2024), paras. 88

⁶⁷ *Ibid*, paras. 89

⁶⁸ *Ibid*, paras. 88

⁶⁹ *Ibid*, paras. 96

⁷⁰ *Sebutinde*, sep. op., Advisory Opinion (22 Oct. 2025), paras. 4 & 97 & 100 & 101

بود که حضور و فعالیت‌های آنروا در قلمرو اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی منوط به رضایت دولت میزبان (اسرائیل) است. توافقنامه ۱۹۶۷^{۷۱} یک توافقنامه موقت و قابل لغو بود که منوط به ملاحظات امنیت نظامی اسرائیل بود.^{۷۲} در نظریه مشورتی ۲۰۲۵، وی با قانونی خواندن قطع همکاری اسرائیل با آنروا اشعار داشت که تصمیم اسرائیل برای محدود کردن حضور آنروا و وضع قوانین کنست برای پایان دادن به فعالیت‌های آن در قلمرو خود، به دلیل نگرانی‌های امنیتی مستند و نقض بی‌طرفی توسط آنروا، طبق حقوق بین‌الملل موجه و قانونی است.^{۷۳} در ارتباط با تعهدات مرتبط با تروریسم در نظریه مشورتی ۲۰۲۵ وی اشاره کرد که اسرائیل طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با تروریسم (۱۹۹۷ و ۱۹۹۹) و قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت، موظف است اقدامات مناسبی را علیه تروریسم انجام دهد؛ این شامل حق ممنوع کردن عملیات آنروا در صورت اثبات نفوذ تروریستی است.^{۷۴} در نظریه مشورتی ۲۰۲۵، سبوتینده ضمن اشاره به نقض بی‌طرفی آنروا توسط حماس، معتقد بود که اسرائیل نگرانی‌های امنیتی مستندی را مطرح کرده است، که از جمله می‌توان به نفوذ سازمان‌های به زعم وی تروریستی (مانند حماس و جهاد اسلامی) در کارکنان آنروا (حداقل ۱۲ درصد) و استفاده از تأسیسات آن (مانند مقر غزه که زیر آن مرکز فرماندهی حماس بود) برای اهداف نظامی اشاره کرد.^{۷۵} یکی دیگر از موارد مطرح ایشان در نظریه مشورتی ۲۰۲۵ در این محور مربوط به عدم الزام به همکاری با آنروا بود. بدین ترتیب که اسرائیل موظف نیست کمک‌های بشردوستانه را منحصراً از طریق آنروا ارائه دهد؛ می‌تواند از کانال‌های جایگزین (مانند برنامه جهانی غذا یا سازمان‌های دیگر) استفاده کند.^{۷۶} آخرین موضوع مطرح شده وی در نظریه مشورتی ۲۰۲۵، محدودیت تعهد کمک‌رسانی (ماده ۲ بند ۵ منشور) بود و تعهد

⁷¹ Comay-Michelmore

⁷² Sebutinde, sep. op., Advisory Opinion (22 Oct. 2025), paras. 49 & 50 & 55 & 56

⁷³ *Ibid*, paras. 85 & 88 & 92 & 100

⁷⁴ *Ibid*, paras. 93 & 95 & 96

⁷⁵ *Ibid*, paras. 74 & 76 & 81 & 82

⁷⁶ *Ibid*, paras. 70 & 85 & 96 & 102

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

کمک‌رسانی به سازمان ملل (ماده ۲ بند ۵ منشور) را نامحدود نخواند و صرفاً به اقدامات اجرایی شورای امنیت تحت فصل هفتم، و نه کلیه اقدامات هر آژانس سازمان ملل، محدود دانست.^{۷۷}

آخرین محور مطرح شده نظرات قاضی سبوتینده موارد مربوط به نسل‌زدایی بود که در قرار موقت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل و نظر مخالف وی نسبت به اصلاحیه دوم قرار موقت منعکس شده است. در نظرات مخالف وی به قرار موقت و اصلاحیه دوم آن، سبوتینده ضمن تأکید بر فقدان قصد و نیت نسل‌زدایی، معتقد بود که آفریقای جنوبی نتوانسته است، حتی به صورت علی‌الظاهر، قصد نسل‌زدایی لازم^{۷۸} را در اعمال اسرائیل اثبات کند. جنگ اسرائیل علیه حماس و نه مردم فلسطین است.^{۷۹} درباره موارد مربوط به قرار موقت و اصلاحیه دوم آن، وی با اشاره به حق دفاع مشروع اسرائیل و نجات‌گروگان‌ها بیان داشت که اسرائیل حق دارد از خود در برابر دشمنانش (حماس) دفاع کند و تلاش برای نجات‌گروگان‌ها را ادامه دهد. این حقوق با تعهدات تحت کنوانسیون نسل‌زدایی در تضاد نیستند.^{۸۰} در قرار موقت ژانویه ۲۰۲۴ وی ضمن اشاره به نقض حقوق بشردوستانه در مقابل نقض نسل‌زدایی، نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مانند جنایات جنگی) را به خودی خود نسل‌زدایی نخواند، مگر اینکه قصد خاص برای نابودی یک گروه وجود داشته باشد.^{۸۱} در اصلاحیه دوم قرار موقت در مه ۲۰۲۴، وی ضمن رد دستور توقف عملیات نظامی در رفح، بیان داشت که دستور توقف فوری عملیات نظامی در رفح (بند ۵۷ (۲) الف) نوعی از حد فراتر رفتن^{۸۲} توسط دیوان است که هیچ ارتباطی با حقوق ادعایی تحت کنوانسیون نسل‌زدایی ندارد. این دستور ممکن است به اشتباه به عنوان دستور آتش‌بس یک‌جانبه

⁷⁷ *Ibid*, paras. 89 & 91

⁷⁸ *dolus specialis*

⁷⁹ Sebutinde, diss. op., Provisional Measures (26 Jan. 2024), paras. 17 & 20 & 23 & 30; Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, para. 3 & 7 & 23 & 27

⁸⁰ *Ibid*, paras. 22 & 30 & 34 & 41; *Ibid*, para. 3 & 28

⁸¹ Sebutinde, diss. op., Provisional Measures (26 Jan. 2024), paras. 7 & 25 & 31 & 42

⁸² overreach

تلقی شود.^{۸۳} در قرار موقت ژانویه ۲۰۲۴، وی با نامرتبب دانستن اقدامات بشردوستانه با نسل‌زدایی، تأمین کمک‌های بشردوستانه (آب، غذا، خدمات) را تعهدی تحت حقوق بشردوستانه خواند و آن را دارای هیچ ارتباطی با حقوق ادعایی تحت کنوانسیون نسل‌زدایی ندانست.^{۸۴} وی در اصلاحیه دوم قرار موقت در مه ۲۰۲۴ با لازم ندانستن اقدام به دلیل حقایق جدید، اشعار داشت که عملیات رفح «حقیقت جدیدی» نیست که نیازمند اصلاح اقدامات موجود باشد، زیرا اقدامات قبلی دیوان (ژانویه و مارس ۲۰۲۴) قبلاً وضعیت بشردوستانه غزه را پوشش داده‌اند. وی با غیرعملی خواندن باز نگه داشتن گذرگاه رفح، دستور به اسرائیل برای باز نگه داشتن گذرگاه رفح را غیرعملی دانست، زیرا مصر نیز کنترل بخشی از این گذرگاه را بر عهده دارد و همکاری آن ضروری است.^{۸۵} آخرین موضوع ذیل این محور که در اصلاحیه دوم قرار موقت در مه ۲۰۲۴ منعکس شده، مخالفت با صدور مجدد دستورات است. زیرا دستورات مکرر مبنی بر «تأیید مجدد» اقدامات موقت قبلی یا درخواست گزارش‌های بیشتر غیرضروری و تکراری هستند و ممکن است به عنوان تلاش دیوان برای اجرای دستورات خود تلقی شوند، که در حیطه اختیارات آن نیست.^{۸۶}

۲) سخنرانی جنجالی قاضی سبوتینده در کلیسای واتوتو و نقض بی‌طرفی قضایی:

قاضی سبوتینده در تاریخ ۱۰ آگوست در کلیسای واتوتو، در مراسم راه‌اندازی وزارتخانه جدید برای اعضای ۵۵ سال به بالا (موسوم به میراث طلایی)، که خود عضو آن است، اظهار داشت: «اکنون حدود ۳۰ کشور علیه اسرائیل هستند... خداوند بر من حساب می‌کند که در سمت اسرائیل بایستم. کل دنیا علیه اسرائیل بود، از جمله کشورم». وی افزود: «من هرگز روزی را که حکم صادر شد فراموش نخواهم کرد... رسانه‌ها این را پوشش دادند تا خشم و احساسات بیشتری

⁸³ Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, paras. 6 & 7 & 27

⁸⁴ Sebutinde, diss. op., Provisional Measures (26 Jan. 2024), paras. 44

⁸⁵ Sebutinde, diss. op., Order of 24 May 2024, paras. 5 & 32

⁸⁶ *Ibid*, paras. 20 & 27 & 36

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

را دامن بزنند. چنین احساساتی فقط می‌تواند از اعماق جهنم نشأت بگیرد.» قاضی جولیا سبوتینده از میهن خود، اوگاندا، به دلیل پیوستن به سایر نقاط جهان در محکوم کردن نظر مخالف^{۸۷} وی در پرونده نسل‌زدایی غزه توسط اسرائیل، انتقاد کرده است. وی افزود: «من هرگز روزی را که حکم صادر شد فراموش نخواهم کرد. حتی با وجود مخالفت دولت، به یاد دارم که یک سفیر گفت: او را نادیده بگیرید، زیرا رأی او نماینده اوگاندا نیست.» وی افزود که کشورم پس از رأی مربوط به نسل‌زدایی توسط اسرائیل در غزه، مرا طرد کرد.^{۸۸}

آدونیا آیباره، نماینده دائم اوگاندا در سازمان ملل متحد، در ژانویه در شبکه ایکس نوشت: «حکم قاضی سبوتینده در دیوان بین‌المللی دادگستری، موضع دولت اوگاندا را در مورد وضعیت فلسطین نمایندگی نمی‌کند.» وی افزود: «حمایت اوگاندا از رنج مردم فلسطین از طریق الگوی رأی‌گیری ما در سازمان ملل متحد ابراز شده است.» موضع مشترک دولت اوگاندا با جنبش عدم تعهد^{۸۹}، که اخیراً اجلاس آن در کامپالا برگزار شد، عبارت است از: پایان فوری تجاوز و محاصره نظامی اسرائیل در نوار غزه، ارائه فوری، بدون مانع و کافی کمک‌های بشردوستانه در مقیاس وسیع، امکان بازسازی و بازیابی ضروری، به ویژه خانه‌ها و زیرساخت‌های حیاتی است.^{۹۰} در تماسی با وینسنت باگیره واسوا، دبیر دائم وزارت امور خارجه، وی اظهار داشت: «او تصمیمی مستقل گرفت که به اشتباه به عنوان تصمیم اوگاندا تلقی می‌شد. این اظهارات برای روشن ساختن این بود که تصمیم وی مستقل بوده است.»^{۹۱} قاضی سبوتینده در ادامه فاش کرد که تقریباً در زمان صدور رأی، دیوان بین‌المللی دادگستری قرار بود انتخابات رهبری خود، از جمله سمت نایب

⁸⁷ Dissenting Judgment

⁸⁸ Wesaka, A. (2025, August 13). My country disowned me after Israel–Gaza ruling — Sebutinde. Daily Monitor. available at: <https://www.monitor.co.ug/uganda/news/national/my-country-disowned-me-after-israel-gaza-ruling-sebutinde-5153060>

⁸⁹ NAM

⁹⁰ Ayebare, A. [@adoniaayebare]. (2024, January). Justice Sebutinde ruling at the International Court of Justice does not represent the Government of Uganda's position on the situation in Palestine. X. <https://x.com/adoniaayebare/status/1750895305753850001>

⁹¹ Wesaka, A., supra note

رئیس، که وی نامزد آن بود، را برگزار کند. او گفت که به دلیل هیاهوی ناشی از رأی او، تقریباً از رقابت انصراف داد، اما احساس کرد که از سوی خداوند مجبور به ادامه شده است. وی به یاد آورد: «چند روز قبل از صدور حکم، قرار بود تغییرات رهبری صورت گیرد... من از نگرانی و پوشش رسانه‌ای بیمار بودم، بنابراین تصمیم گرفتم در رختخواب بمانم. اما خداوند گفت: «ای بزدل، بیدار شو!» از رختخواب بیرون آمدم و سرکار رفتم». وی به حاضران گفت که قاضی همکاری بعداً از وی پرسید که چرا فکر می‌کند انتخاب شده است «من گفتم: نمی‌دانم. او به من گفت که این به دلیل شخصیت و استقلال من بود که توسط کشورم تأیید شد. بنابراین؛ هر آنچه شیطان برای من برنامه‌ریزی کرده بود، خداوند آن را تغییر داد. این یک روز پس از صدور حکم اتفاق افتاد». وی در ادامه افزود که قویاً معتقد است که بحران کنونی در غزه که در آن هستیم نشانه‌ای از «آخرالزمان» است که در کتاب مقدس پیش‌گویی شده، و وضعیت خاورمیانه یکی از نشانه‌های آن است و از مسیحیان خواست که هوشیار بمانند. وی اظهار داشت: «من متقاعد شده‌ام که زمان در حال اتمام است. می‌خواهم در سمت درست تاریخ باشم. شما را تشویق می‌کنم که تحولات اسرائیل را دنبال کنید. متواضع هستم که خداوند به من اجازه داده است بخشی از روزهای پایانی باشم». «زمان‌های پایانی» به رویدادهایی اشاره دارد که طبق پیشگویی کتاب مقدس، منجر به بازگشت فیزیکی عیسی مسیح می‌شود.⁹²

۲.۱) بررسی وضعیت حقوقی اظهارات عمومی اخیر قاضی سبوتینده:

کارشناسان حقوقی می‌گویند که پس از اظهارات نایب رئیس دیوان مبنی بر اینکه خداوند بر وی «حساب کرده» تا در کنار اسرائیل باشد، ممکن است بی‌طرفی او زیر سوال برود. گام غیرمعمول صحبت علنی در مورد حمایت وی از اسرائیل، به ویژه از سوی کارشناسان حقوقی، مورد توجه قرار گرفته است. مایکل بکر، استاد حقوق و مشاور حقوقی سابق دیوان بین‌المللی

⁹² Sesay, Alpha, supra note

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

دادگستری اظهار داشت که «هیچ‌گاه ایده خوبی نیست که یک قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری دیدگاه‌های شخصی خود را در مورد یک پرونده در حال رسیدگی، در یک مجمع عمومی به اشتراک بگذارد». وی افزود: «بدتر این است که مطرح کند موضع او این است که «در کنار» یک طرف خاص پرونده باشد». وی در ادامه اظهار داشت که: «ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، که منابع مربوط به حقوق بین‌الملل را تعیین می‌کند، کلمه خداوند را در بر نمی‌گیرد». هنگام سوگند، همه قضات دیوان بین‌المللی دادگستری متعهد می‌شوند که اختیارات خود را «با بی‌طرفی و وجدان» اعمال کنند. بکر اشاره کرد که اعتقادات مذهبی قوی مشکلی نیست. وی گفت که حس اخلاقی یا عدالت یک قاضی، که می‌تواند ناشی از دین باشد، گاهی اوقات می‌تواند به اعمال صحیح صلاح‌دید قضایی کمک کند. بکر اظهار داشت: «اما قانون، حدود و مرزهایی را ایجاد می‌کند و قضات را ملزم می‌سازد تا تصمیمات را در چارچوب قانون، با اتکا به منابع شناخته شده حقوق، توجیه کنند». وی افزود: «ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، که منابع مرتبط حقوق بین‌الملل را مشخص می‌کند، قطعاً کلام خدا را در بر نمی‌گیرد».^{۹۳}

سرگئی واسیلیف، محقق حقوق بین‌الملل، گفت که صحبت‌های سبوتینده در مورد پرونده‌ها خارج از حوزه آرای رسمی موافق یا مخالف،^{۹۴} هم غیرمعمول و هم «قابل اعتراض» است. وی افزود: «چنین مداخلاتی این خطر را ایجاد می‌کند که تصور تعصب^{۹۵} را القا کند (یا نشان دهد) و سوالات اجتناب‌ناپذیری را در مورد توانایی آن‌ها برای قضاوت بی‌طرفانه مطرح نماید». واسیلیف افزود که یک قاضی نه تنها باید بی‌طرفانه عمل کند، بلکه باید در نظر یک «ناظر معقول» نیز بی‌طرف به نظر برسد. وی گفت: «اظهارات قاضی سبوتینده مبنی بر اینکه وظیفه الهی اوست که در

⁹³ Wilkins, B. (August 26 2025). *Jurists urge ICJ to remove 'Christian Zionist' judge from Gaza genocide case*. *Common Dreams*. <https://www.commondreams.org/news/julia-sebutinde-icj-gaza-genocide-case>

⁹⁴ concurring or dissenting opinions

⁹⁵ bias

کنار اسرائیل - به عنوان دولت خوانده در روند دادرسی‌های ترافیعی^{۹۶} در حال رسیدگی - بایستد، بی‌طرفی او را زیر سوال می‌برد، هرچقدر هم که تصمیمات او با «وجدان» بوده باشند». وی نتیجه گرفت: «سخت است که چگونه یک ناظر معقول می‌تواند نتیجه دیگری بگیرد».^{۹۷}

۲.۲ اقدامات قابل پیش بینی در اساسنامه و رویه دیوان در قبال اظهارات اخیر قاضی

سبوتینده:

ماده ۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تصریح می‌کند که این دیوان «از هیئتی از قضات مستقل تشکیل می‌شود». هنگامی که قضات جدید در دیوان بین‌المللی دادگستری منصوب می‌شوند، در دادگاه علنی به شرح زیر سوگند یاد می‌کنند:

«من رسماً اعلام می‌کنم که وظایف خود را صادقانه، وفادارانه، بی‌طرفانه و با وجدان کامل انجام خواهم داد و اختیارات خود را به عنوان قاضی اعمال خواهم نمود».^{۹۸}

این اعلامیه طبق ماده ۲۰ اساسنامه الزامی است و شرایط دقیق آن در ماده ۴ (۱) آیین‌نامه داخلی دیوان قید شده است. مراسم سوگند به صورت علنی برگزار می‌شود. قضات اختصاصی^{۹۹} - که برای یک پرونده در هر زمان تعیین می‌شوند - در اولین روز از رسیدگی‌های شفاهی آن پرونده سوگند یاد می‌کنند.^{۱۰۰}

بنابراین؛ وظیفه اصلی یک قاضی، بی‌طرفی است. بی‌طرفی قضایی به معنای رهایی دیوان از نفوذهای نامناسب است. این امر بدان معناست که نباید هیچ‌گونه جانبداری یا پیش‌داوری به نفع یک طرف وجود داشته باشد. تصمیمات قضایی باید بر اساس شایستگی‌های استدلال‌های حقوقی طرفین اتخاذ شوند. آن‌ها هرگز نباید از پیش تصمیم‌گیری شده یا مبتنی بر عوامل غیرحقوقی

⁹⁶ contentious proceedings

⁹⁷ Uddin, Rayhan, (2025, August 24). After recent comments, should Julia Sebutinde still serve on Israel cases at the ICJ?, Middle East Eye. <https://www.middleeasteye.net/news/after-recent-comments-should-julia-sebutinde-still-serve-israel-cases-icj?>

⁹⁸ Statute of the ICJ, Art. 2

⁹⁹ ad hoc

¹⁰⁰ Statute of the ICJ, Art. 20; ICJ Rules of Court, Art. 4(1)

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

باشند. به نظر می‌رسد اظهارات قاضی سبوتینده این الزام اساسی را نقض می‌کند. لازم به ذکر است که مشکل در مخالفت وی با دستورات دیوان نیست؛ مخالفت (نظر اقلیت) یک عنصر مهم در فرآیند قضایی است و می‌تواند نمایی از استقلال فکری-قضایی باشد. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که قاضی سبوتینده قصد خود را -از پیش و در رابطه با یک پرونده در حال رسیدگی- برای رأی دادن به نفع یکی از طرفین، نه به دلیل شایستگی استدلال‌های حقوقی، بلکه به دلیل اعتقادات مذهبی خود، اعلام کرده است. در حالی که همه از حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردارند، دیدگاه‌های مذهبی هرگز نباید بر وظیفه قاضی برای تصمیم‌گیری بی‌طرفانه و مبتنی بر قانون تأثیر بگذارد. بنابراین؛ اظهارات قاضی سبوتینده، فقدان آشکار بی‌طرفی لازمه یک قاضی دیوان ذیل ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است. ژولیت مک‌اینتایر، مدرس حقوق در دانشگاه ساوث استرالیا، اشاره کرد که تصمیم‌گیری از پیش در مورد حمایت از یک طرف خاص، به طور بالقوه سوگند یاد شده طبق ماده ۲۰ اساسنامه دیوان را نقض می‌کند.^{۱۰۱}

شدیدترین اقدام در این باره اقدام بر اساس ماده ۱۸ اساسنامه دیوان است که با اجماع دیگر قضات وی را به دلیل واجد شرایط مقرر نبودن منفصل کنند.^{۱۰۲} به نظر می‌رسد که این اقدام به دلیل نگاه قضایی و حتی مواضع ناقض بی‌طرفی در یک یا مجموعه‌ای از پرونده‌ها در موضوعی خاص زیاده‌روی باشد و به نظر می‌رسد اقدام بینابین، یعنی ماده ۲۴ اساسنامه و حذف از پرونده یا مجموعه پرونده از موضوعی خاص مناسب‌تر باشد.^{۱۰۳} مک‌اینتایر، که پژوهش‌های دکتری وی بر قواعد و رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری متمرکز است، اظهار داشت: «این احتمال وجود دارد که دیوان تدابیری را برای امتناع از رسیدگی^{۱۰۴} وی، طبق ماده ۲۴ اساسنامه، پیگیری کند». ماده ۲۰

¹⁰¹ McIntyre, J. (2025, September 1). From one ICJ to another: Impartiality, independence and the world court. *Verfassungsblog*. <https://verfassungsblog.de/from-one-icj-to-another/>

¹⁰² Statute of the ICJ, Art. 18

¹⁰³ *Ibid*, Art. 24

¹⁰⁴ recusal

به تعهد رسمی هر عضو دیوان قبل از تصدی شغل در جلسه علنی جهت انجام مشاغل خود در کمال بی طرفی و از روی نهایت وجدان و ماده ۲۴ به شرکت نداشتن یک عضو دیوان در رسیدگی به یک کار معین با اطلاع مراتب به رئیس دیوان و قاطع بودن رای خود دیوان در صورت اختلاف نظر و عدم توافق میان رئیس و عضو دیوان اشاره دارد. به تعبیر دیگر؛ به منظور تضمین استقلال و بی طرفی قضات، ماده ۲۴ اساسنامه دیوان شامل یک رویه برای خودداری از رسیدگی به پرونده‌هایی است که قاضی نمی‌تواند یا نباید در آن شرکت کند. یک قاضی ممکن است خود کناره‌گیری نماید، به این دلیل که قبلاً در پرونده‌ای در حال رسیدگی به عنوان مشاور حقوقی عمل کرده است، یا جایی که نظرات قبلی ابراز شده، نشان‌دهنده پتانسیل جانبداری علیه یکی از طرفین باشد.^{۱۰۵} به عنوان مثال؛ قضات فلیش‌هاور، هیگینز و کویجمنز همگی به دلیل مواضع قبلی خود در مورد مسائل مربوط به موضوع دادرسی، از پرونده بازنگری «بوسنی و هرزگوین علیه یوگسلاوی» کناره‌گیری کردند.^{۱۰۶} اگر قاضی سیوتینده خود کناره‌گیری نکند، دیوان همچنان می‌تواند طبق ماده ۲۴ برای حذف وی از پرونده مربوطه اقدام کند. رئیس دیوان می‌تواند در صورت تشخیص اینکه یکی از اعضای دیوان به دلایل خاصی نباید حضور یابد، مراتب را به وی اطلاع دهد. در مواردی که قاضی از کناره‌گیری امتناع ورزد، موضوع باید با تصمیم دیوان حل و فصل شود.

در این موضوع مک‌این‌تایر اظهار داشت که رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری، در حال حاضر یوجی ایواسوا، می‌تواند از یک عضو دیوان بخواهد که در یک پرونده خاص حضور نداشته باشد، اگر به دلیل خاصی ضروری تشخیص داده شود. سرگنی واسیلیف، محقق حقوق بین‌الملل اشاره داشت که «چنین مداخلاتی این خطر را ایجاد می‌کند که تصور تعصب را القا کند و سوالات اجتناب‌ناپذیری را در مورد توانایی آن‌ها برای قضاوت بی‌طرفانه مطرح نماید». اگر آن قاضی از کناره‌گیری امتناع ورزد، موضوع می‌تواند با تصمیم دیوان حل و فصل شود. مک‌این‌تایر گفت:

¹⁰⁵ Statute of the ICJ, Art. 20 & 24

¹⁰⁶ McIntyre, Juliette, supra note

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منسوری

«قضات همچنین ممکن است به دلیل تضاد منافع احتمالی یا فقدان بی‌طرفی، از یک پرونده کناره‌گیری کنند».^{۱۰۷} وی اضافه کرد که ماده ۴۸ اساسنامه، دیوان را مجاز می‌سازد تا دستوراتی را برای رسیدگی به پرونده صادر کند، که می‌تواند شامل شکایات مطرح شده توسط یکی از طرفین در مورد مشارکت یک قاضی خاص باشد. او توضیح داد: «این امر در نظریه مشورتی نامیبیا اتفاق افتاد، جایی که آفریقای جنوبی به دنبال حذف قاضی ظفرالله خان به دلیل ادعای جانبداری علیه آفریقای جنوبی بود که البته موفق آمیز نبود». بدین ترتیب؛ ماده ۴۸ همچنین به دیوان اختیار می‌دهد تا دستوراتی را برای اداره پرونده صادر کند. با استفاده از این اختیار، دیوان می‌تواند شکایات یک طرف را در مورد مشارکت قاضی مشخص را مورد استماع و تصمیم‌گیری قرار دهد.^{۱۰۸} این امر در جریان «نظر مشورتی نامیبیا» رخ داد، جایی که آفریقای جنوبی بدون موفقیت، به دنبال حذف قضات ظفرالله خان، موروزوف و پادیلانو بود.^{۱۰۹} بنابراین؛ آفریقای جنوبی برای بار دوم می‌تواند شانس خود را ذیل ماده ۴۸ اساسنامه دیوان در ارتباط با حذف قاضی سبوتینده از پرونده نسل‌زدایی علیه اسرائیل بیازماید.

کنت روث، وکیل آمریکایی و مدیر اجرایی دیده‌بان حقوق بشر برای نزدیک به سه دهه، گفت که اظهارات سبوتینده حاکی از آن است که «او نگرش بی‌طرفانه‌ای را که قضات باید در پرونده اسرائیل داشته باشند، را ندارد». وی افزود: «اظهارات سبوتینده نشان می‌دهد که اعتقادات شخصی او ممکن است او را ناتوان از ارزیابی عینی رفتار اسرائیل در غزه کند، در این صورت، او باید خود را از روند دادرسی کناره‌گیری کند».^{۱۱۰} بکر اشاره کرد که دیوان بین‌المللی دادگستری از قبل منتقدانی دارد که دیوان را ناکارآمد و سیاسی شده می‌دانند. او گفت که دیوان بین‌المللی

¹⁰⁷ *Ibid*

¹⁰⁸ Statute of the ICJ, Art. 48

¹⁰⁹ Kattan, V. (2015). Decolonizing the International Court of Justice: The experience of Judge Sir Muhammad Zafrulla Khan in the South West Africa cases. *Asian Journal of International Law*, 5(2), 310–355. <https://doi.org/10.1017/S2044251314000125>

¹¹⁰ Uddin, Rayhan, *supra* note

دادگستری به شکل قابل درکی تمایلی ندارد که قاضی را مجبور کند در یک پرونده خاص حضور نداشته باشد، که تا حدی به دلیل سنت قوی «همکاری جمعی»^{۱۱۱} دیوان است. وی گفت، در حالی که قضات به طور منظم خود را از پرونده‌ها کنار می‌کشند، هیچ موردی نبوده که کناره‌گیری ناشی از فشار رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری یا یکی از طرفین پرونده بوده باشد. بکر اظهار داشت: «علیرغم این واقعیت که اظهارات قاضی سبوتینده به نظر بسیار نامناسب بوده است، بهترین مسیر برای دیوان در این مورد ممکن است این باشد که هیچ اقدامی انجام ندهد، به جای اینکه خود را در معرض اتهامات سوء نیت»^{۱۱۲} پیش‌داوری قرار دهد که ممکن است سپس علیه قضات دیگر هدایت شوند». به تعبیر دیگر وی اعتقاد دارد اعمال ماده ۲۴ می‌تواند سلسله اقدامات مشابهی را علیه دیگر قضات به بهانه‌ها و دلایل دیگر منجر شود و یک زنجیره باطل ایجاد کند. واسیلیف گفت که اظهارات سبوتینده ممکن است عواقب رسمی نداشته باشد، اما در عوض باعث آسیب به اعتبار^{۱۱۳} خواهد شد، هم به وزن مشارکت‌های قاضی اوگاندایی در پرونده‌های مربوطه، و هم به دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یک کل آسیب می‌زند. وی گفت: «این نوع نگرش و توجهی نیست که دیوان (یا هر هیئت قضایی بین‌المللی دیگری) به آن نیاز دارد». «این مایه تأسف است و تا جایی که من می‌دانم، در دیوان بین‌المللی دادگستری بی‌سابقه است»^{۱۱۴}.

۲.۳) عملکرد قاضی سبوتینده و بحران تشتت در نگرش فمینیستی به حقوق بین‌الملل:

رویکرد فمینیستی نسبت به حقوق بین‌الملل، بر انتظارات خود درباره عدالت متنوع‌تر در دستگاه قضایی بین‌المللی، به ویژه از جنبه جنسیتی تأکید می‌کند. با توجه به نخبه‌گرایی و اروپامحوری و آنگلوستریک بودن در این حرفه، شمولیت فمینیستی و عدالت در حوزه حقوقی بین‌المللی اهمیت فراوان دارد. اخیراً، فراخوان‌ها برای تنوع (جنسیتی) معنادارتر در نهادهای حقوقی

¹¹¹ collegiality

¹¹² bad faith accusations

¹¹³ reputational damage

¹¹⁴ Wilkins, B., supra note

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

بین‌المللی، جنبشی موجه را هم در محافل دانشگاهی و هم در عمل به راه انداخته است. قابل توجه است که این فراخوان‌ها بر مشکلاتی تمرکز کرده‌اند که زنان برای دستیابی به مناصب قدرت در حقوق بین‌الملل با آن‌ها مواجه هستند، علی‌رغم اینکه به همان اندازه (یا حتی بیشتر) از هم‌تایان سفیدپوست و مرد خود واجد شرایط هستند.^{۱۱۵} این فراخوان‌ها همچنین به این موضوع مهم اشاره کرده‌اند که چگونه زنان می‌توانند به پتانسیل هنجاری نهادهای حقوقی بین‌المللی کمک کنند. به‌طور ملموس‌تر، محققان تاکید دارند که زنان ممکن است تجربه دست اول یا نزدیکی بیشتری به تجربیات بی‌عدالتی‌های ساختاری جنسیتی مرتبط با یک پرونده داشته باشند و در نتیجه، نسبت به همکاران سفیدپوست، مرد و ثروتمند خود نسبت به آن تجربیات همدلی بیشتری نشان دهند. فمینیست‌ها، بر جایگاه قاضی سبوتینده به عنوان اولین قاضی زن آفریقایی دیوان بین‌المللی دادگستری در این مسیر تاکید فراوانی دارند. فمینیست‌ها تاکید دارند که قاضی سبوتینده، با وجود سابقه درخشان حرفه‌ای و مشخصات شخصی‌اش، موانع نامتناسبی را برای دسترسی به مناصب ارشد (شایسته) که در دستگاه قضایی بین‌المللی به دست آورده، متحمل شده و به‌طور خاص در مورد اهمیت داشتن برابری جنسیتی در هیئت قضایی بین‌المللی به عنوان یک مسئله عدالت، به سادگی و بدون اما و اگر صریح بوده است.^{۱۱۶} علاوه بر این، رفتار دلسوزانه او با بازماندگان خشونت جنسی در جریان محاکمات در دادگاه ویژه سیرالئون، همراه با رأی جداگانه او در مورد «ازدواج اجباری» در زمان جنگ،^{۱۱۷} و همچنین ملاحظات او در مورد حق تعیین سرنوشت در

¹¹⁵ Klapper, S. (2024). Achieving sex-representative international court benches. *American Journal of International Law*, pp.84-95

¹¹⁶ Grossman, N. (2016). Julia Sebutinde. In N. Grossman, et al. (Eds.), *Women judges of international courts and tribunals* (pp. xx-xx). Routledge, p.10

¹¹⁷ Special Court for Sierra Leone. (2004). *Prosecutor v. Brima, Kamara and Kanu (SCSL-04-16-T, Decision No. 613)*.

بافتار استعمار در نظر جداگانه وی به نظریه مشورتی چاگوس، همگی شواهد حکایتی را تقویت کرده‌اند که افراد اقلیت در دستگاه قضایی بین‌المللی قضاوت‌های همدلانه‌تری ارائه می‌دهند.¹¹⁸

توجیه فمینیست‌ها راجع به عملکرد قاضی سبوتینده تأکید بر همدلی زنان با ستم‌دیدگان را برجسته می‌کند، با این حال در قضایای فلسطین، قاضی زن آفریقایی که طعم استعمار جنوب را چشیده، برخلاف قضات مرد سفیدپوست اروپایی و غربی، نسبت به جنایت جنگی و بشریت و نسل‌زدایی صورت گرفته در غزه و نظریات مشورتی، رای و نظر شدیداً مخالفی داده، بر محتاط بودن نسبت به امید بستن از منظر فمینیستی بر آن‌ها تأکید می‌کنند. اولاً، با وجود اینکه افراد اقلیت واقعاً در موقعیت بهتری قرار دارند تا نسبت به مشکلات سایر اقلیت‌ها همدلی بیشتری داشته باشند، انتظار «نمایندگی» دیدگاه به حاشیه رانده‌شدگان از آنان شاید یک خواسته بسیار بزرگ باشد. به این معنا، همانطور که نمی‌توان انتظار داشت قضات مطابق با سیاست خارجی کشورهای مبدأ خود رأی دهند، انتظار اینکه قضات اقلیت با «نمایندگی» دیدگاه یک گروه اقلیت حکم دهند، به‌طور خطرناکی به یک رویکرد ماهیت‌گرایانه¹¹⁹ به مسئله نزدیک می‌شود. ثانیاً، و شاید مهم‌تر، این انتظار ممکن است «اضطراب اقلیت نمونه» بر این قضات را دچار فرافکنی کند. بدین صورت که این امر آن‌ها را تحت استانداردی بالاتر قرار می‌دهد، و از آن‌ها انتظار می‌رود که به شکلی عادلانه یا همدلانه‌تر نسبت به اقلیت‌ها قضاوت کنند، چیزی که متأسفانه معمولاً از هم‌تایان ممتازتر آن‌ها انتظار نمی‌رود. در واقع، این همان چیزی است که قاضی سبوتینده خود در مورد آن هشدار داده است: به گفته او، زنان «به همان اندازه حق دارند در کرسی دیوان بنشینند و در حل و فصل اختلافات دولتی شرکت کنند، بدون اینکه نیاز به تأیید یا توجیه حضور خود در آنجا با مفهوم ارزش افزوده داشته باشند».

¹¹⁸ Chagos Advisory Opinion, Sep. Op. Sebutinde

¹¹⁹ essentialist

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوره

فمینیست‌ها با تاکید بر مشکلات زنان فلسطینی در جنگ غزه، ضمن پررنگ کردن موضع قاضی سبوتینده بر قاعده آمره بودن حق بر تعیین سرنوشت در نظرات آرای قبلی وی، و همچنین تاکید بر نادیده گرفتن اشغال فلسطین توسط وی و تقبیح تاکید مکرر وی بر حکومت حماس بر نوار غزه، و به‌علاوه محکوم کردن رای منفی وی به امکان ارائه کمک‌های بشردوستانه فوری برای فلسطینیان در غزه و گرسنگی شدید آنان در نتیجه جنگ در عین صراحت پیشین وی بر چالش‌های (اجتماعی-اقتصادی) مسیر حرفه‌ای خود، اما در عین حال، در کمال تعجب با پاک کردن صورت مسئله در تاکید بر عدم موضع صریح وی در این باره، وی را فمینیست ندانسته، و فرافکنی غیرمفید و غیرمنصفانه «تو باید بهتر می‌دانستی»، به عنوان یک زن رنگین‌پوست که در طول حرفه خود دائماً تحت استانداردهای بالاتری قرار می‌گیرد را یادآور شدند. به این ترتیب، ناامیدی موجود باید بهتر به سمت تصمیم نسبتاً مبهم و ضعیف دیوان هدایت می‌شد، از جمله با پرداختن کلی به مسائل جنسیتی موجود، علی‌رغم وجود یک ذهن فمینیستی بسیار مشهورتر که به تصمیم اکثریت کمک کرده است. فمینیست‌ها تاکید دارند که ذهنیت زنان و فمینیسم‌های آن‌ها تنوع زیادی دارند، و برخی از آن‌ها لزوماً با تلاش‌های ائتلافی بین گروه‌های تحت ستم همسو نخواهند بود. بر این اساس، به رسمیت شناختن پیچیدگی ذهنیت زنان و دیدگاه‌های آن‌ها در مورد عدالت (جنسیتی)، هرچند ممکن است طعم تلخی به جا بگذارد، یک تمرین فمینیستی ضروری است. به عنوان فردی از جنوب جهانی، باید بهتر دانست که انتظار داشت، قاضی سبوتینده به صرف اینکه از یک پیشینه محروم در جنوب جهانی می‌آید، در قضاوت خود با مشکلات یک گروه محروم همسو باشد، در بهترین حالت ساده‌لوحانه و در بدترین حالت ماهیت‌گرایانه است. جنوب جهانی یک موجودیت یکپارچه نیست، و سوژه‌های آن شخصیت‌های تک‌بعدی «مقاومت» نمی‌باشند.

فمینیست‌ها تاکید دارند که شرط‌بندی بر عدالت لیبرال، از جمله «تفسیرهای متنوع» آن، محدودیت‌هایی دارد. به‌طور خاص‌تر، در حالی که نمایندگی توصیفی ممکن است مزایایی داشته باشد، اما تا حدی بیشتر پیش نمی‌رود. انتظار اینکه قضات اقلیت «بی‌عدالتی‌ها و محدودیت‌های»

آن نهادها و امور جهانی را در کل «حل و فصل کنند»، هم ماهیت گرایانه و هم مصداق استاندارد دوگانه است. با این حال، امید فمینیستی (خوشبختانه) لجباز است. صرفاً به این دلیل که راه‌حل‌های عدالت بین‌المللی لیبرال ممکن است کوتاهی کنند، به این معنا نیست که فمینیسم فاقد الهام و فرصت برای خلق راه‌های دیگری (متحدانه‌تر) برای انجام عدالت هست. این راه‌های متحدانه‌تر می‌توانند به شکل متمرکز کردن فرآیند انجام عدالت بین‌المللی بر گوش دادن فعال و ارج نهادن به تجربه کسانی که بیشترین تأثیر را از خشونت ساختاری و بی‌عدالتی‌ها در سراسر جهان پذیرفته‌اند (به عنوان مثال دادگاه‌های مردمی) باشند، همان‌گونه که پیشتر دیگر فمینیست‌ها این موضوع را بررسی کردند.¹²⁰ بنابراین؛ فمینیست‌ها تأکید دارند که به دنبال چیزی غیر از این باید بود. بدین ترتیب، تأکید فمینیست‌ها بر لجبازی به عنوان نقطه مثبت دیدگاه خود، پاک کردن صورت مسئله و بردن زمین مسئله به بستری دیگر (در اینجا ایجاد راه دیگر برای انجام عدالت و تأکید بر گوش دادن قربانیان خشونت ساختاری و بی‌عدالتی به جای قضاوت بین‌المللی در بستر دیوان بین‌المللی دادگستری) به دلیل محدودیت بستر موجود تفسیر لیبرالی موجود، و تأکید بر تکثر گفتمانی و عدم تقلیل گرایی ماهیت گرایانه بر جنوب جهانی به عنوان موجودیت یکپارچه را برگزیدند.

۲.۴) نامه کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان¹²¹ به دیوان بین‌المللی دادگستری:¹²²

وجدان بیدار حقوق دانان بین‌المللی یا دخالت و تهدید استقلال قضایی دیوان:

به دنبال اظهارات سبوتینده که با الزام به حفظ بی‌طرفی قضاوت در تضاد است. در ۲۵ اوت، یک سازمان غیردولتی به نام کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان (که آن نیز اغلب با اختصار ICJ شناخته می‌شود) نامه‌ای رسمی به رئیس دیوان، قاضی یوجی ایواسوا، ارسال کرد تا از او بخواهد در مورد اظهارات قاضی سبوتینده تحقیق کند. کمیسیون در نامه خود به دیوان به اصول اساسی

¹²⁰ Otto, D. (2017). Beyond legal justice: some personal reflections on people's tribunals, listening and responsibility. *London Review of International Law*, 5(2), pp.225-249

¹²¹ International Commission of Jurist (ICJ)

¹²² International Court of Justice (ICJ)

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منسوری

سازمان ملل متحد در مورد استقلال قوه قضائیه^{۱۲۳}، اصول برغ هاوس در مورد استقلال قوه قضائیه بین‌المللی^{۱۲۴}، و اصول رفتار قضایی بنگالور^{۱۲۵} استناد کرد. اصول اساسی سازمان ملل متحد در مورد استقلال قوه قضائیه، بر الزامات اساسی استقلال نهاد قضایی و وظایف پایه‌ای قضات تأکید دارند. کمیسیون به اصول ۲ و ۸ آن استناد کرد و خواهان اعمال اصول ۱۷ تا ۲۰ آن درباره اقدامات اصلاحی توسط دیوان بر قاضی سبوتینده شد. اصل ۲ درباره بی‌طرفی و تصمیم‌گیری بر اساس قانون، تصریح می‌کند که قوه قضائیه باید در مورد مسائل مطروحه، بی‌طرفانه، بر اساس واقعیت‌ها و مطابق با قانون، و بدون هیچ‌گونه «نفوذ نامناسب» تصمیم بگیرد. اصل ۸ درباره محدودیت‌های آزادی بیان اذعان دارد که قضات حق آزادی بیان و عقیده دارند، اما در اعمال این حقوق باید همواره به گونه‌ای رفتار کنند که شأن مقام خود و بی‌طرفی و استقلال قوه قضائیه را حفظ نمایند. اصول برغ هاوس در مورد استقلال قوه قضائیه بین‌المللی، که به طور خاص به استقلال قضات در محاکم بین‌المللی می‌پردازند و در نامه کمیسیون به عنوان اصول مکمل استفاده شده‌اند نیز توسط کمیسیون در مورد اصول ۱.۱ و ۷.۲ آن مورد استناد قرار گرفته است. اصل ۱.۱ و ۷.۲ همان اصل ۲ و ۸ اصول سازمان ملل هست. اصول رفتار قضایی بنگالور، بر رفتار شخصی و حرفه‌ای قضات و لزوم حفظ اعتماد عمومی تمرکز دارند و به طور مستقیم به «رفتار» و «ظاهر» قاضی مربوط می‌شوند. این اصول بر ارزش‌هایی مانند بی‌طرفی، تمامیت (صداقت) و شایستگی (نزاکت) تأکید دارند. ارزش ۳ (تمامیت) به صراحت بیان می‌کند که رفتار قاضی باید ایمان مردم را به تمامیت قوه قضائیه تأیید کند. همچنین تأکید می‌کند که «عدالت نه تنها باید اجرا شود، بلکه باید دیده شود که اجرا

¹²³ UN Basic Principles on the Independence of the Judiciary, 1985

¹²⁴ Burgh House Principles on the Independence of the International Judiciary, 2004

¹²⁵ Bangalore Principles of Judicial Conduct, 2002 / endorsed 2006

می‌شود». ارزش ۴ (شایستگی) مقرر می‌دارد که قاضی باید از رفتار ناشایست و ظاهر رفتار ناشایست در تمام فعالیت‌های خود اجتناب کند.^{۱۲۶}

در حالی که این اقدام با استقبال عمومی در رسانه‌های جمعی مواجه شد، می‌توان آن را به عنوان تلاش برای اعمال فشار خارجی بر دیوان جهت اتخاذ تصمیمی خاص تلقی کرد، که تهدیدی برای استقلال قضایی محسوب می‌شود. در حالی که برخی معتقدند که با توجه به این رویه‌ها، مشکلی نیست که نامه‌ای از سوی نهادی متشکل از «قضات، وکلا و اساتید برجسته حقوقی از سراسر جهان و تمامی نظام‌های حقوقی» ارسال شود که از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری می‌خواهد در مورد اظهارات قاضی سبوتینده تحقیق کند، اما برخی دیگر معتقدند که این فعالیت یک تهدید بالقوه برای برداشت عمومی از استقلال دیوان ایجاد می‌کند. در حالی که بی‌طرفی و استقلال مفاهیمی مرتبط هستند، اما به جنبه‌های متفاوتی از وظیفه قضایی می‌پردازند: نخست؛ بی‌طرفی قضایی به جانبداری‌های درونی قاضی مربوط می‌شود. دوم؛ استقلال قضایی ناظر بر «رابطه بین قضات و نهادهای خارجی» است، که می‌تواند شامل رسانه‌ها، عموم مردم، و سایر گروه‌های ذینفع باشد.^{۱۲۷} نامه کمیسیون حقوق‌دانان بین‌المللی نه تنها درخواست تحقیق می‌کند، بلکه خواستار عزل فوری قاضی سبوتینده از پرونده «آفریقای جنوبی علیه اسرائیل» نیز شده است.^{۱۲۸} به نظر می‌رسد نوعی پیش‌داوری وجود دارد مبنی بر اینکه کناره‌گیری وی از پرونده‌های مربوط به فلسطین تنها نتیجه قابل قبول است. با اعمال فشار بر دیوان برای اقدام به شیوه‌ای خاص، کمیسیون حقوق‌دانان بین‌المللی (ICJ دیگر) ممکن است به طور ناخواسته دیدگاه عمومی را در مورد اینکه آیا دیوان مستقل از عوامل و منافع خارجی است، به خطر انداخته باشد. باید توازن مهمی بین

¹²⁶ International Commission of Jurists. (2025, August 25). Communication to the International Court of Justice urging the investigation of the Court's Vice-President. <https://www.icj.org/icj-communication-to-the-international-court-of-justice-urging-the-investigation-of-the-courts-vice-president/>

¹²⁷ Black, C. (2024). Promoting judicial independence in the international courts: Lessons from the Caribbean. *International & Comparative Law Quarterly*, p.3

¹²⁸ International Commission of Jurists. *supra* note

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

درخواست‌های مناسب برای پاسخگویی و تلاش‌های نامناسب برای دخالت در تصمیمات دیوان برقرار شود. اعتبار و تخصص کمیسیون حقوقدانان بین‌المللی، همراه با علنی بودن نامه، به طور بالقوه این انتظار را ایجاد می‌کند که دیوان باید (یا بخواهد) از آن تبعیت کند.

به صورت کلی باید گفت که اعتماد و مشروعیت محاکم ناشی از این نیست که همیشه به نتایجی می‌رسند که با باورهای اخلاقی عام همسو باشد. اعتماد به محاکم قضایی بین‌المللی به این دلیل است که آنها هنگام اتخاذ تصمیمات خود از فرآیندهای روشن و مطمئن تبعیت می‌کنند. اگر تصور شود که دیوان در برابر فشار عمومی برای رسیدن به تصمیمی خاص سرخم می‌کند، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. قطعاً، اگر قاضی سبوتینده در پرونده باقی‌مانده نیز هزینه‌ای برای مشروعیت وجود خواهد داشت. اما او تنها یک رأی از حداکثر شانزده صدای قضایی است، و اظهارات او به اعتبارش چه در داخل و چه در خارج از نهاد آسیب رسانده و اثربخشی تصمیمات او را کاهش خواهد داد. هرچند در شرایط آرمانی مناسب خواهد بود که قاضی سبوتینده کناره‌گیری کند. اظهارات وی، تصور جانبداری را ایجاد می‌کند. اما اگر دیوان رأی‌گیری کند و تصمیم دیگری بگیرد، باز هم نتیجه‌ای مناسب است و باید مورد احترام قرار گیرد. اعمال فشار عمومی بر دیوان برای دستیابی به نتایج خاص، به جای دنبال کردن فرآیندهای خاص، باید اجتناب شود.

(۲.۵) اتهامات سرقت علمی:

حاشیه‌های مربوط به قاضی سبوتینده صرفاً مربوط به آرا وی و نظرات جداگانه و مخالف وی و سخنرانی ناقص بی‌طرفی وی نبود. رأی مخالف سبوتینده در مورد اشغال فلسطین توسط اسرائیل پیش از این در اوایل سال جاری علاوه بر خود رای و اظهارات عمومی ناقص بی‌طرفی وی، به دلیل اتهامات سرقت علمی^{۱۲۹} مورد انتقاد شدید قرار گرفته بود. وی بعداً متهم شد که جملاتی را

¹²⁹ plagiarism

تقریباً کلمه به کلمه در رأی مخالف خود که در ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ نوشته شده بود، مستقیماً از منابع حامی اسرائیل، ستون نوشته شده توسط یک مقام سابق ایالات متحده، و همچنین از ویکی‌پدیا و بی‌بی‌سی رونوشت کرده است. منتقدان و برخی نهادهای ناظر اشاره کردند که بخش‌های وسیعی از استدلال‌های قاضی سبوتینده در رد صلاحیت دیوان، به صورت کلمه‌به‌کلمه یا با تغییرات بسیار جزئی از روی لوایح دفاعی تیم حقوقی اسرائیل برداشته شده بود. مشکل آن است که در حالی که قضات می‌توانند به استدلال‌های طرفین استناد کنند، وظیفه آن‌ها «تحلیل مستقل» است. رونوشت کردن متون بدون ارجاع یا بدون افزودن تحلیل قضایی، با اصل استقلال فکری قاضی که در ماده ۲ اساسنامه دیوان بر آن تأکید شده، در تضاد است.^{۱۳۰}

بررسی مطالعه‌ای که توسط دیده‌بان خاورمیانه مورد مشاهده قرار گرفت، که توسط یک محقق فلسطینی برای کتاب آتی نورمن فینکلشتاین، محقق آمریکایی، انجام شده است، ادعا کرد که «حداقل ۳۲ درصد از رأی مخالف سبوتینده سرقت علمی بوده است و شامل بخش‌های تقریباً کلمه‌به‌کلمه و بدون ارجاع از مقالات داگلاس فیث و کتابخانه مجازی یهودیان^{۱۳۱} بوده است». برخی پژوهشگران حقوق بین‌الملل با استفاده از نرم‌افزارهای مشابهت‌یاب، نشان دادند که بخش‌هایی از تاریخچه منازعه که در رأی او آمده بود، شباهت عجیبی به مقالات منتشر شده توسط برخی اندیشکده‌های سیاسی دارد. این موضوع باعث شد ناظران نسبت به «اصالت»^{۱۳۲} رأی او کنند. بکر گفت: «با توجه به اتهامات سرقت علمی، اظهارات گزارش شده قاضی سبوتینده، این درک را تقویت می‌کند که او مصمم به دستیابی به نتایج خاصی، صرف نظر از قانون یا شواهد واقعی ارائه شده به دیوان است». واسیلیف اشاره کرد که دیدگاه‌های سبوتینده، هنگامی که در متن رأی او بیان شدند، «به دلیل ادعاهای معتبر سرقت علمی و اتکا به منابعی سوال‌برانگیز از نظر

¹³⁰ Statute of the ICJ, Art. 2

¹³¹ Jewish Virtual Library

¹³² Originality

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

کیفیت و قابلیت پذیرش^{۱۳۳} قبلاً بحث‌برانگیز شده بودند. وی افزود: «اظهارات او در کلیسای واتوتو، آرای مخالف را در یک چارچوب ایدئولوژیک گسترده‌تر قرار می‌دهد و تصورات تعصب را تقویت می‌کند».^{۱۳۴} در اخلاق قضایی بین‌المللی، سرقت علمی فقط یک خطای آکادمیک نیست، بلکه نشان‌دهنده یک سوگیری پنهان است. وقتی یک قاضی به جای انشای متن خود، از ادبیات یکی از طرفین دعوا استفاده می‌کند، این تلقی ایجاد می‌شود که او «سخنگوی» آن طرف، و نه «قاضی» مستقل است.

سرقت علمی در این سطح، دو رکن اصلی دیوان را هدف قرار می‌دهد: ۱. صلاحیت اخلاقی^{۱۳۵}: طبق ماده ۲ اساسنامه، قضات باید از عالی‌ترین صلاحیت اخلاقی برخوردار باشند. سرقت علمی مستقیماً این صلاحیت را زیر سوال می‌برد.^{۱۳۶} ۲. اعتبار آرای آتی: اگر این تصور ایجاد شود که قضات دیوان، نظرات خود را از روی دست و کلای دولت‌ها رونوشت می‌کنند، کل سیستم قضایی بین‌المللی مشروعیت خود را از دست می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در جمع بندی کلان باید گفت که در همه نظرات، قاضی سبوتینده بر اولویت چارچوب مذاکراتی بر حکم قضایی تاکید کرد. وی در نظریات مشورتی (۲۰۲۴ و ۲۰۲۵) و همچنین در پرونده نسل‌زدایی (قرار موقت و درخواست اصلاح)، اصرار دارد که دیوان جایگاه حل و فصل مناقشه‌ای که ماهیت آن سیاسی-سرزمینی است، نیست. او حکم یک‌طرفه قضایی را تضعیف‌کننده چارچوب مذاکراتی موجود (قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت) می‌داند. وی همچنین مکرراً

¹³³ admissibility

¹³⁴ Uddin, Rayhan, (2025, January 29), ICJ president's plagiarism in Israel opinion 'reflects poorly', experts say, Middle East Eye, <https://www.middleeasteye.net/news/icj-president-julia-sebutinde-alleged-plagiarism-israel-occupation-damage-court?>

¹³⁵ Moral Character

¹³⁶ Statute of the ICJ, Art. 2

بر محوریت نگرانی‌های امنیتی و حق دفاع مشروع اسرائیل تاکید داشت. سبوتینده به شدت از حق اسرائیل برای دفاع مشروع و حفظ امنیت خود در برابر سازمان‌های تروریستی به زعم وی (حماس و جهاد اسلامی) حمایت می‌کند. این موضوع، هم در توجیه محدودیت‌های بشردوستانه و قطع همکاری با آنرا (نظر مشورتی ۲۰۲۵) مشاهده می‌شود، و هم در رد اتهام نسل‌زدایی، که در آن اهداف نظامی اسرائیل (شکست حماس و نجات گروگان‌ها) به عنوان نافی قصد نسل‌زدایی تلقی می‌شوند. تفسیر مضیق حقوقی هم از موارد پرتکرار وی بود. در هر دو پرونده نسل‌زدایی او بین نقض شدید حقوق بشردوستانه که دیوان در آن صلاحیت رسیدگی ندارد، و جرم خاص نسل‌زدایی (نیازمند قصد ویژه) تمایز قائل می‌شود. در پرونده‌های سرزمینی (نظر مشورتی ۲۰۲۴)، او با استناد به اصول حقوقی مانند اصل حفظ مرزهای اداری پیشین و سابقه تاریخی قیمومت، غیرقانونی بودن اشغال یا شهرک‌سازی‌ها را به چالش می‌کشد و استدلال می‌کند که اشغال صرفاً به دلیل طولانی شدن زمان، غیرقانونی نمی‌شود. آخرین موضوع پرتکرار وی نقد رویکرد یک‌جانبه سازمان ملل بود. وی مجمع عمومی و دیوان را به دلیل پذیرش روایت‌های یک‌جانبه و نادیده گرفتن بستر تاریخی، و نپرداختن به مسئولیت سایر طرف‌ها (مانند حماس، یا مصر در گذرگاه رفح) و همچنین ناکارآمدی یا سوءمدیریت کمک‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهد.

دیدگاه قاضی سبوتینده در این پرونده‌ها شبیه به معماری است که به دیوان هشدار می‌دهد که تلاش نکند با یک چکش (حکم قضایی) یک نقشه ساختمانی (حل و فصل سرزمینی) را بر روی یک زمین لرزه‌خیز (مناقشه تاریخی-سیاسی) پیاده کند. او معتقد است که ابزار صحیح برای ساختن صلح، نه تحمیل یک نقشه از بیرون، بلکه نیاز به مشارکت و مذاکره بین مالکان زمین است، در حالی که ملاحظات امنیتی واقعی آنها (پی دیوارهای دفاعی) باید به طور کامل لحاظ شود. برخلاف انتظاری که از اولین قاضی زن آفریقایی دیوان جهت پوشش مواضع منطقه جغرافیایی، جنسیت، و پیشینه و مواضع مردم و کشور مربوطه و مبارزات آن سرزمین می‌رود، در عین حفظ استقلال و بی‌طرفی قاضی، اما مواضع آخرالزمانی و اونجالیستی و استفاده از عبارات پوپولیستی

امکان‌سنجی اعمال مواد ۱۸، ۲۴ و ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر... ————— منصوری

(عوام‌گرایانه مثل حساب کردن خدا روی وی در مقام قاضی دارای استانداردهای سختگیرانه اخلاقی، علمی و حرفه‌ای) توسط قاضی سبوتینده در سخنرانی عمومی وی نشان داد که وی شایستگی تصدی قضاوت دیوان را ندارد. وی علنا سوگند خود و ماده ۲ و ۲۰ اساسنامه دیوان را نقض کرد و علنا نه تنها بی‌طرفی خود با جانبداری آشکار خود نقض کرد، بلکه قضاوت دیوان را با مواضع مذهبی رادیکال درهم آمیخت و به اعتبار چند ده ساله دیوان لکه وارد کرد. هرچند دوره وی تا ۵ ساله دیگر به پایان می‌رسد و نظر وی اقلیت محض بوده و تاثیری در آرای صادر شده ندارد. همچنین باید اشاره داشت که علاوه بر نقض بی‌طرفی، در ماده ۲۰ به مسئله انجام وظیفه قضاوت در کمال وجدان انسانی نیز اشاره شده که قضاوت و نظرات سبوتینده نیز در این موضوع ناکام ماند.

این مواضع مسئولیت سنگین دیگر قضات به ویژه رئیس دیوان را ایجاد می‌کند که در پرونده‌های مربوط به فلسطین، اگر مناسب نباشد ذیل ماده ۱۸ اساسنامه و انفصال وی عمل نشود، حتی با حذف وی از یک یا مجموعه‌ای از پرونده‌ها با موضوعی خاص، وی را ذیل ماده ۲۴ اساسنامه دیوان کنار گذاشته تا از نقض بیشتر اساسنامه دیوان و خدشه به اعتبار دیوان جلوگیری کند و همه این موارد به خود دیوان برمی‌گردد و البته نباید با فشار خارجی اصل استقلال قضایی دیوان خدشه دار گردد. اقدام دیگر دولت‌ها را می‌توان در اقدام دولت آفریقای جنوبی در پرونده نسل‌زدایی دانست که ذیل ماده ۴۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری از دیوان بخواهد که وی را از پرونده مربوطه حذف کند و دومین بار بعد از پرونده نامیبیا برای حذف ناکام قاضی ظفرالله خان، از ظرفیت این ماده استفاده کند، اما این بار می‌توان به دلیل فشار سنگین افکار عمومی جهانی و حقوق‌دانان بین‌المللی و لزوم حفظ اعتبار دیوان، خوش‌بینی بیشتری نسبت به دفعه اول داشت. به ویژه آن که هرگز هیچ قاضی در طول تاریخ دیوان به صورت علنی و آشکار، حتی قاضی اختصاصی، خود را جانبدار یک طرف دعای به دلایل مذهبی و آخرالزمانی نمی‌دانست و لزوم

اقدام دیوان را بیشتر می‌کند. البته نباید فراموش کرد، استقلال دیوان نباید تحت فشارهای مضاعف قرار بگیرد، گوانکه قاضی سبوتینده، تنها یک قاضی تنها بدون حامی دیگر در دیوان است.